



# مَوَاعِظُ قِيَمَة + اسم التفضيل و اسم المكان

## ترجمه و تعریب (۵۲ تست)



### ۱. ترجمه تک عبارتی

۱۴۲۳. «إِنَّ الإِمَامَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِ (ع) يَفْتَخِرُ بِأَخِيهِ أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ. لِأَنَّهُ قَتَلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَكَلَاهُمَا أَسْوَةَ لَجَمِيعِ الْعَالَمِينَ!» (زبان ۹۴)

- ۱) همانا امام ابو عبدالله الحسین (ع) برادر خود ابی الفضل عباس را افتخار خویش می دانست، چه هر دو در راه خداوند جنگیدند و هر دو الگویی برای جهانیان شدند!
- ۲) قطعاً امام ابو عبدالله الحسین (ع) برادر خویش ابی الفضل العباس را مایه فخر می دانست، از آن جا که در راه الله جنگید، و هر دو برای جهانیان الگو هستند!
- ۳) امام ابو عبدالله الحسین (ع) به برادر خویش ابی الفضل عباس مباهات می کرد، و مقتول شدن او را در راه الله می دانست و هر دو الگوی عالمیان بوده اند!
- ۴) امام ابو عبدالله الحسین (ع) به برادر خود ابو الفضل العباس افتخار می کند، زیرا در راه الله به قتل رسید و هر دو الگویی برای همه عالمیان می باشند!

۱۴۲۴. «كُلَّمَا أَنْظَرَ إِلَى النِّعَمِ الَّتِي تُؤْفَرُ لِي فِي الْحَيَاةِ، أَشْكُرُ نِعْمَةَ الْحَنُونِ!» (انسان ۸۹)

- ۱) هر دفعه به نعمتی که در زندگی ام فراهم گردیده است نگاه کرده ام، از پروردگار مهربان خود تشکر نموده ام!
- ۲) هر زمان به نعمت هایی که در زندگی ام مهیا کرده ام نگاه افکنده ام، از خدای مهربان سپاسگزاری کرده ام!
- ۳) هر بار به نعمتی که برای من در زندگی مهیا می کنند نگاه می کنم، خدای محبوبم را شکر می کنم!
- ۴) هر بار به نعمت هایی که در زندگی برایم فراهم می شود می نگرم، پروردگار مهربانم را شکر می کنم!

۱۴۲۵. «فَرَرْتُ مَعَ أَخِي الصَّغِيرِ أَنْ نَذْهَبَ غَدًا رَأْسَ السَّاعَةِ الْعَاشِرَةِ وَالنِّصْفِ لِمَشَاهِدَةِ أَثَارِ الْمَتْحَفِ التَّارِيخِيَّةِ!» (خارج کشور ۹۹)

- ۱) با برادر کوچکم فرار گذاشتم فردا رأس ساعت ده و نیم به مشاهده آثار تاریخی موزه برویم!
- ۲) با برادر کوچکترم فرار گذاشتیم رأس ساعت ده و نیم فردا به دیدن آثار موزه های تاریخی برویم!
- ۳) من و برادر کوچکترم فرار گذاشته ایم فردا سر ساعت ده و نیم برای مشاهده آثار تاریخی به موزه برویم!
- ۴) من یا برادر کوچکم فرار گذاشتم سر ساعت ده و نیم صبح فردا برای دیدن آثار تاریخی در موزه ها برویم!

۱۴۲۶. «إِنَّهَا مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكِ، تَغْذِيهَا صَعْبَةٌ عَلَى الْهَوَاةِ لِأَنَّهَا تُحِبُّ أَنْ تَأْكُلَ صَيْدَهَا حَيًّا!» (ریاضی ۹۸)

- ۱) آن از ماهی های عجیبی است که تغذیه اش برای علاقمندان سخت است برای این که دوست دارد شکار زنده بخورد!
- ۲) او از شگفت ترین ماهیانی است که برای علاقمندان، غذا دادنش سخت است زیرا او خوردن زنده شکار را دوست دارد!
- ۳) او از ماهیان شگفت آوری است که برای علاقمندان، تغذیه اش سخت دشوار است زیرا زنده خوردن صید را دوست دارد!
- ۴) آن از عجیب ترین ماهی هاست، غذا دادن به او برای علاقمندان دشوار است زیرا دوست دارد که صید خود را زنده بخورد!

۱۴۲۷. «أَدْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ.» (تجربہ ۹۸)

- ۱) به راه پروردگارت با حکمت و موعظه نیکو دعوت کن، و با آنان با آنچه نیکوتر است مجادله کن!
- ۲) به راه خدای خود به وسیله دانش و بند نیکو فراخوان، و با آنان به وسیله سخنان خوب و زیبا مقابله کن!
- ۳) دعوت به راه خداوند باید با حکمت و موعظه پسندیده باشد، و با آنان با هر چه نیکوتر است مجادله کن!
- ۴) فراخواندن به راه خدای خود را از طریق بند و اندرز، زیبا انجام بده، و با آنان با شیوه ای بهتر مقابله کن!

۱۴۲۸. «مَنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنْ ضَمِيرِهِ وَاعِظٌ، فَلَنْ يَكُونَ لَهُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ حَافِظٌ!» (زبان ۹۳)

- ۱) هر کسی که از درون خویش او را هشدار نمی دهند، در نزد خداوند حافظی نخواهد داشت!
- ۲) کسی که واعظی او را از درون هشدار ندهد، نگهبانی هم از سوی خدا او را حفظ نخواهد کرد!
- ۳) اگر کسی از درون خود وعظ کننده ای نداشت از نزد خدا حفظ کننده ای او را حفظ نخواهد کرد!
- ۴) هر کس از درون خویش پند دهنده ای نداشته باشد، از جانب خداوند نگهدارنده ای نخواهد داشت!

۱۴۲۹. «مِنْ أَمَمِ الْأَخْطَارِ الَّتِي تُهَدِّدُ بِلَاذِنَا اسْتِهْلَاكَ الْمَاءِ أَكْثَرَ مِنَ الْقَدْرِ الْوَالِئِ، فَيَجِبُ أَنْ نَقْتَصِدَ فِيهِ!»

- ۱) از خطرات مهمی که کشورمان را تهدید می کند، مصرف آب بیش از حد نیاز است، پس واجب است در آن میانه روی کنیم!
- ۲) مصرف کردن آب بیشتر از اندازه لازم، از مهمترین خطراتی است که کشور ما را تهدید می کند، پس باید در آن صرفه جویی کنیم!
- ۳) از خطرات مهمی که تهدیدی برای کشورمان می باشد، مصرف آب بیش از اندازه لازم است و ما باید در این باره صرفه جو باشیم!
- ۴) مصرف آب، بیشتر از میزان لازم، از مهم ترین خطرهایی است که تهدیدی برای کشور ماست و ما باید در آن صرفه جویی کنیم!



(انسانی ۹۹)

۱۴۴۰. «يجب علينا أن نقتصد في استهلاك قوّة الكهرباء حتى لا نواجه قطعها في الأيام التي نحتاج إليها!»
- ۱) ما باید در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم تا در روزهایی که به آن نیاز داریم با قطع آن مواجه نشویم!
  - ۲) صرفه‌جویی در مصرف انرژی برق واجب است تا با قطع شدنش در روزهایی که به آن نیاز داریم روبرو نشویم!
  - ۳) لازم است در مصرف انرژی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطعی آن مواجه می‌شویم به آن نیاز داریم!
  - ۴) بر ما لازم است که در مصرف نیروی برق صرفه‌جویی کنیم زیرا در روزهایی که با قطع شدنش روبرو می‌شویم به آن احتیاج داریم!

(خارج کشور ۹۹)

۱۴۴۱. «هو أقرب شخص لي وإن كان بعيداً مني مسافات!»
- ۱) او شخص نزدیکی به من است هرچند که مسافت‌هایی از من دور شده است!
  - ۲) او اگرچه مسافت‌ها از من دور شده است ولی شخص نزدیک‌تر به من اوست!
  - ۳) نزدیک‌ترین فرد به من کسی است که از من مسافت‌هایی دور شده باشد!
  - ۴) او نزدیک‌ترین فرد به من است اگرچه از من مسافت‌ها دور باشد!

۱۴۴۲. «القواعظُ القيِّمةُ التي قدَّمها لقمانُ لابنِه نماذجُ تربويَّةٍ يَهتدي كلُّ الشَّبَابِ بيها!»
- ۱) پندهای باارزشی که لقمان به پسرش تقدیم کرد، الگوهایی تربیتی است که همه جوانان را با آن هدایت می‌کند!
  - ۲) موعظه‌های ارزشمندی که لقمان به فرزندش تقدیم کرده است، نمونه‌هایی تربیتی است که همه جوانان با آن هدایت می‌شوند!
  - ۳) لقمان به پسر خود، توصیه‌های باارزش تقدیم می‌کند و آن‌ها الگوهای پرورشی برای هدایت هر جوانی می‌باشد!
  - ۴) تقدیم کردن پندهای ارزشمند لقمان به فرزندش، الگوهای پرورشی است که همه جوان‌ها با آن هدایت می‌شوند!

(انسانی ۹۹)

۱۴۴۳. «إنَّ الفخورَ يمشي مرحباً و هذا نموذجُ تربويٍّ لمن يتعلَّم الأدبَ ممَّن ليس له أدبٌ!»
- ۱) فخر فروش راه رفتنی متکبرانانه دارد ولی برای آن‌که ادب را از بی‌ادبان می‌آموزد نمونه‌ای تربیتی است!
  - ۲) فخر فروش خودخواهانه راه می‌رود و این الگویی تربیتی است برای کسی که ادب را از کسی می‌آموزد که ادب ندارد!
  - ۳) فخر فروش نوع راه رفتنش خودخواهانه است ولی برای آن‌که ادب را از کسی که ادب ندارد یاد می‌گیرد، یک نمونه تربیتی است!
  - ۴) فخر فروش چون متکبران راه می‌رود و این نمونه تربیتی برای کسی است که ادب را از کسی که در او ادب نیست آموخته است!

(تجربی ۹۹)

۱۴۴۴. «إنَّ القنوطَ من رحمةِ الله أعظمُ ذنبٍ يفتح لنا بابَ بقيةِ الذنوبِ فتحاً!»
- ۱) ناامیدی از فضل خدا بزرگ‌ترین گناه است در حالی که در بقیه گناهان را برایمان باز می‌کند!
  - ۲) ناامید شدن از لطف خدا گناه بزرگی است که در بقیه گناهان را برای ما به خوبی باز می‌کند!
  - ۳) ناامیدی از رحمت خدا گناهی بزرگ است در حالی که در بقیه گناهان را احتمالاً برایمان باز می‌کند!
  - ۴) ناامید شدن از رحمت خدا بزرگ‌ترین گناهی است که قطعاً در بقیه گناهان را برای ما باز می‌کند!

(زبان ۹۹)

۱۴۴۵. «أفضلُ الناسِ من يجتنبُ كثيراً من الظَّنِّ، و هو خيرُ له!»
- ۱) بهترین مردم کسی است که از گمان‌ها بسیار اجتناب کند، و این برایش بهتر است!
  - ۲) برترین مردم کسی است که از بسیاری از گمان‌ها دوری کند، و آن برایش بهتر است!
  - ۳) کسی برترین مردم است که از بسیاری از گمان‌ها دوری می‌کند و آن برایش خوب است!
  - ۴) با فضیلت‌ترین مردم کسی است که از گمان‌ها بسیار پرهیز کند، و آن امر برای او خوب است!

(انسانی ۹۹)

۱۴۴۶. «لا تُجادلُ من لا يستمعُ إلي ما تقولُ!»
- ۱) مجادله مکن با کسی که گفته تو را گوش نمی‌دهد!
  - ۲) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدال مکن!
  - ۳) با کسی که به آنچه تو می‌گویی گوش نمی‌دهد، جدال مکن!
  - ۴) مجادله نمی‌کند کسی که به آنچه تو می‌گویی، گوش نمی‌دهد!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۴۷. «ضدِّيقي! يجب أن تأتي بأدلة أحسن يُقنع من يستمع إليها!» دوست من! —
- ۱) تو باید دلایل نیکویی بیاوری که هر که آن‌ها را شنید، قانع گردد!
  - ۲) باید دلایل بهتری بیاوری که قانع شود کسی که به آن‌ها گوش می‌دهد!
  - ۳) باید دلایل بهتری بیاوری تا کسی را که به آن‌ها گوش می‌دهد، قانع کنی!
  - ۴) باید با بهترین دلایل بیایی که کسی را که به آن‌ها گوش می‌کند، قانع سازی!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۴۸. «ما أحقُّ أن تُقدِّم لأبنائك موعظَ قِيمة تُرشدهم إلى المعرفة!»
- ۱) زیباتر آن است که به فرزندان خود پندهای ارزشمندی تقدیم کنی که با آن به سوی معرفت هدایت شوند!
  - ۲) چه زیباست که به فرزندان پندهای ارزشمندی تقدیم کنی که آنان را به شناخت هدایت کند!
  - ۳) چه زیباست که چیزی به فرزندان پیشکش کنی که آنان به معرفتی ارزشمند ارشاد شوند!
  - ۴) آنچه زیباست این است که گران‌قدرترین پندها فرزندان را به شناخت هدایت کنند!



۱۴۴۹. «لا تَسِبْ الْأَحْمَقَ الَّذِي يَسُبُّكَ فَلَا يَسْخِطُهُ شَيْءٌ بِمَثَلِ الصَّمْتِ أَمَامَهُ»:

- ۱) به احمقی که به تو ناسزا می‌گوید، دشنام نده، زیرا چیزی همانند دم فرو بستن در برابرش، او را خشمگین نمی‌کند!
- ۲) به نادانی که به تو ناسزا گوید، فحش نده؛ پس او یا چیزی مثل سکوت در برابرش خشمگین نمی‌شود!
- ۳) نباید به احمقی که به تو ناسزا گفته، دشنام بدهی، زیرا چیزی مثل سکوت کردن مقابلش، او را عصبانی نمی‌کند!
- ۴) به احمقی که به تو ناسزا گوید، دشنام نده؛ پس هیچ چیز مانند سکوت، خشمگینش نخواهد کرد!

(خارج کشور انسانی ۹۹)

۱۴۵۰. «الاحترام لا يدل على العُجب دائماً، إنما يدل على حسن التربية؛ فاحترم ولو كنت لا تُحِبُّ!»:

- ۱) احترام همیشه دلیل دوست داشتن نیست، فقط بر خوب تربیت شدن دلالت دارد؛ پس هر چند دوست نداشتی احترام بگذار!
- ۲) احترام کردن پیوسته به دوستی راهنمایی نمی‌کند، بلکه بر خوب تربیت شدن دلالت دارد، پس با این که دوست نداری احترام بگذار!
- ۳) احترام گذاشتن همیشه بر دوست داشتن دلالت نمی‌کند، فقط بر تربیت خوب دلالت دارد؛ پس احترام کن اگرچه دوست نداشته باشی!
- ۴) احترام گذاشتن پیوسته دلیلی بر دوستی نمی‌باشد، فقط دلیلی بر تربیت خوب است، در نتیجه احترام کن حتی اگر دوست نداشته باشی!

(خارج کشور ۹۰)

۱۴۵۱. «أفضل ما ينتفع به الصديق عند الشدة هو أن لا يترك في صعوبات الدهر وحده!»:

- ۱) برای یک دوست بهترین چیز این است که در تلخی‌های زمانه تنها باقی نگذارد!
- ۲) از بهترین چیزها که دوست را می‌توان با آن بهره‌مند کرد، این است که در تلخی زمانه تنها نماند!
- ۳) بهترین چیزی که برای دوست در گرفتاری سودمند است، فقط همین است که در سختی روزگار تنها نماند!
- ۴) بهترین چیزی که دوست هنگام سختی از آن بهره‌مند می‌شود این است که در سختی‌های روزگار تنها نماند!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۵۲. «هؤلاء آباء وأمهات يُرشدون كلاً من أولادهم إلى أطيب الصفات وأصلح الأعمال»:

- ۱) اینان پدرها و مادرهایی هستند که همه فرزندان را به سمت ویژگی‌های پاکیزه‌تر یا کارهای شایسته‌تر راهنمایی می‌کنند!
- ۲) این پدر و مادرها هر کدام از فرزندان‌شان به سوی پاکیزه‌ترین ویژگی‌ها یا شایسته‌ترین کارها رهنمون می‌شوند!
- ۳) این‌ها پدران و مادرانی هستند که هر یک از فرزندان خویش را به پاکیزه‌ترین ویژگی‌ها و شایسته‌ترین کارها راهنمایی می‌کنند!
- ۴) ایشان پدر و مادرهایی هستند که هر کدام از فرزندان‌شان به پاکیزه‌ترین ویژگی‌ها و شایسته‌ترین کارها راهنمایی می‌شوند!

۱۴۵۳. «ذغ شاتم الناس مُهاناً تُرضي ريبك وتعاقب أعداءك»:

- ۱) دعا کن تا ناسزاگوینده به مردم با خواری مجازات گردد، تا پروردگارت راضی شود و دشمنان خشمگین شوند!
- ۲) ناسزاگوینده به مردم را خوار رها کن، تا خداوند خشنود شود و دشمنانت کیفر داده شوند!
- ۳) دعا کن تا دشنام‌دهنده به مردم خوار شود و دشمنانت مجازات شوند، تا خداوند خشنود گردد!
- ۴) دشنام‌دهنده به مردم را خوار رها کن، تا پروردگارت را راضی کنی، و دشمنانت را کیفر بدهی!

۱۴۵۴. «و لا تُضَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَ لا تُفْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحاً إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ»:

- ۱) نه از مردم رخ بتاب و نه با ناز بر زمین قدم بگذار، زیرا پروردگار هیچ فخر فروش مغروری را دوست نمی‌دارد!
- ۲) از مردم روی برنگردان و در زمین با شادی قدم نگذار، چه خدایت دوست‌دار هر خودستاینده خودستایی نمی‌باشد!
- ۳) با تکبر گونه‌هایت را از مردم برنگردان و خرامان بر زمین قدم مگذار همانا خداوند هیچ مغروری را دوست ندارد!
- ۴) با تکبر از مردم رویت را برنگردان و در زمین با ناز و خودپسندی راه نرو زیرا خداوند هیچ خودپسند فخر فروشی را دوست ندارد!

۱۴۵۵. «عوقب الأراذل بسبب الأفعال القبيحة التي ارتكبوها في حق غيرهم»:

- ۱) فرومایگان را به خاطر انجام کارهای زشت که در حق غیر خود مرتکب شده بودند، مجازات کردند!
- ۲) فرومایگان به سبب انجام کارهای زشتی که در حق دیگران مرتکب آن شده بودند، کیفر داده شدند!
- ۳) فرومایگان، در حق غیر خود مرتکب کارهای زشت شدند و کیفر داده شدند!
- ۴) فرومایه‌ترها به خاطر ارتکاب کارهای زشت خود در حق دیگران مجازات شدند!

۱۴۵۶. «الإنتاج الأکثر للإستهلاك الأکثر، هذا هو هدف البلاد الغربية لِمَنع تقدّم المسلمين»:

- ۱) تولید بیشتر باعث مصرف بیشتر است؛ این همان هدف کشورهای غربی، به خاطر پیشرفت نکردن ما مسلمان‌ها است!
- ۲) بیشتر تولید کردن برای بیشتر مصرف کردن، این همان اهداف کشورهای غربی به خاطر عدم پیشرفت کردن مسلمان است!
- ۳) تولید بیشتر برای مصرف بیشتر؛ این همان هدف کشورهای غربی برای جلوگیری از پیشرفت مسلمان است!
- ۴) بیشتر تولید کردن برای بیشتر مصرف کردن، این هدفی است که کشورهای غربی به خاطر عدم پیشرفت مسلمان‌ها دارند!

۱۴۵۷. «الإعجاب بالنفس خصلة قبيحة عند الناس نهانا الله عنه وأمرنا بالابتعاد منه»:

- ۱) نزد مردم، خودپسندی یک خصلت ناپسند است که الله ما را از آن نهی کرده و ما به دوری از آن امر شده‌ایم!
- ۲) خودشیفتگی خصلت زشتی نزد مردم است و خداوند از آن نهی کرده و ما را به دوری کردن از آن دستور داده است!
- ۳) خودشیفتگی یک خصلت ناپسند نزد مردم است که خدا ما را از آن نهی می‌کند و به دور شدن از آن دستور می‌دهد!
- ۴) خودپسندی در نزد مردم خصلت زشتی است و پروردگار ما را از آن نهی نموده و به دوری از آن فرمان داده شده‌ایم!



۱۴۵۸. شَرُّ النَّاسِ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَاةٍ وَ شَرُّ مَنْهُ مَنْ بَاعَ آخِرَتَهُ بِدُنْيَا غَيْرِهِ!»،

- ۱) بدترین مردم است، کسی که آخرت خویش را به دنیایش فروخت، و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای غیر خود فروخت!
- ۲) هر که به جای آخرتش، با دنیایش بیعت کند، بدترین مردم است و بدتر از او کسی است که به جای آخرتش، با دنیایش بیعت کرده است!
- ۳) هر کس جهان واپسین را به دنیا بفروشد، بدترین مردم اوست و هر که دنیای دیگری را برای آخرتش بفروشد، بدتر از اوست!
- ۴) بدترین مردم کسی است که آخرتش را به دنیایش فروخت و بدتر از او کسی است که آخرت خود را به دنیای دیگران فروخته است!

۱۴۵۹. نَحْنُ الظَّالِمُونَ قَدْ نَشَاهَدُ بَيْنَ الْآخِرِينَ أَحَدًا يَكُونُ أَحْسَنَ مِنَّا، إِذَنْ يَجِبُ أَنْ نَبْتَعِدَ عَنِ الْعَجَبِ! ما دانشجویان

- ۱) گاهی بین دیگران کسانی را دیده‌ایم که برتر از ما هستند؛ پس در این هنگام بر ماست که از خودبینی دوری کنیم!
- ۲) شاید مشاهده می‌کنیم که بین دیگران کسی از ما برتر است؛ پس وظیفه ما است که از خودپسندی دور باشیم!
- ۳) گاهی میان دیگران کسی را می‌بینیم که از ما بهتر است؛ بنابراین ما باید از خودخواهی دوری کنیم!
- ۴) بین دیگران برتر از خودمان را مشاهده می‌کنیم؛ پس بر ما است که خود را از عجب و غرور دور کنیم!

(هنر ۹۹)

۱۴۶۰. ما أجمل أن تری نهاییه آحزایک الماضیه لتبدأ حیاة جدیدة فرحة!»،

- ۱) چه زیباست که پایان غم‌های گذشته‌ات را ببینی تا زندگی جدید شادی را شروع کنی!
- ۲) چه چیزی زیباتر است که غم‌های گذشته‌ات را پایان دهد تا یک زندگی جدید را با شادی آغاز کنی!
- ۳) چه زیباست که ببینی اندوه‌های گذشته‌ات پایان یافته برای این که زندگی جدید شادی شروع شود!
- ۴) آنچه زیباتر است اینست که پایان ناراحتی‌های قبلی‌ات را ببینی برای این که زندگی جدیدی شادمانه شروع شود!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۴۶۱. الخیر و الشر کلماتان یعرف بهما خیر الأعمال و شرها فحی علی خیرها!»،

- ۱) خوبی و بدی دو واژه‌ای هستند که به بهترین و بدترین اعمال معروف‌اند؛ پس به سوی نیکی شتاب کن!
- ۲) خیر و شر دو کلمه‌ای هستند که بهترین و بدترین کارها با آن دو شناخته می‌شود؛ پس به سوی بهترینش بشتاب!
- ۳) خوبی و بدی دو کلمه‌ای هستند که خوب و بد اعمال به واسطه آن دو شناخته می‌شود؛ پس خوبی آن را زنده نگهدار!
- ۴) خیر و شر دو واژه می‌باشند، با آن‌ها بهترین کارها و بدترینش شناخته می‌شود؛ پس برای خوبی‌اش بشتاب!

## ۲. ترجمه چهار عبارته

۱۴۶۲. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) این استشرت الأبرار فلن تندم، اگر با نیکان مشورت کرده بودی قطعاً پشیمان نمی‌شدی.
- ۲) و إن دُقت حلو الحیاة و مرها فلن تستسلم أمام المصاعب، و اگر شیرینی زندگی و تلخی آن را بچشی در مقابل سختی‌ها تسلیم نخواهی شد.
- ۳) لأن المصاعب کالتار تُقوی إرادتک، زیرا سختی‌ها چون آتش اراده‌ات را قوی می‌کند.
- ۴) فالفضل لیس نهاییه الطریق بل هو جسر الانتصار؛ پس شکست پایان راه نیست بلکه آن پل پیروزی است!

۱۴۶۳. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) إعلم أن أحب عباد الله المؤمنین أنفعهم لعباده؛ بدان که بندگان مؤمن خدا را دوست دارم (و) به بندگان او سود می‌رسانم!
- ۲) إصبر علی ما أصبت به إن ذلك من عزم الأمور؛ بر آنچه به آن دچار شدی صبر کن، زیرا آن از کارهای مهم است!
- ۳) نعلم الحکمة فی قلب المتواضع لا فی قلب الجبار؛ حکمت در قلب انسان متواضع ماندگار می‌شود، نه در قلب ستمکار زورمند!
- ۴) أغضض من صوتک إن أنکر الأصوات لصوت الحمیر؛ صدایت را پایین بیاور، قطعاً زشت‌ترین صداها، صدای خران است!

۱۴۶۴. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) خیر إخوانکم من أهدی إليکم عیونکم؛ بهترین برادران شما کسی است که عیب‌هایتان را به شما هدیه کند!
- ۲) الأنبیاء یعتوا لیتموا مکارم الأخلاق؛ پیامبران مبعوث شدند، برای این که مکارم اخلاقی کامل شود!
- ۳) وجدنا مرکزاً مهمماً لتبادل المعلومات؛ مرکزی مهم را جهت مبادله اطلاعات یافتیم!
- ۴) «لا یكلف الله نفساً إلا وسعها» خداوند به هر کسی فقط به اندازه توانش تکلیف می‌کند!

۱۴۶۵. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) لما دخلت فی متجر الأیسیة كنت أنظرُ إلى أسعارها؛ وقتی وارد فروشگاه لباس‌ها شدم، به قیمت‌های آن‌ها نگاه می‌کردم.
- ۲) فقربت منی البائع وقال: إذا أردت شیئاً فأنا فی خدمتک؛ پس فروشنده به من نزدیک شد و گفت: اگر چیزی بخواهی، من در خدمت شما (تو) هستم.
- ۳) فسألت: هل هذه الفساتین و السراويل أرخص؛ پس پرسیدم: آیا این لباس‌های زنانه و شلوارها ارزان است.
- ۴) فأجابنی: الأسعار مختلفة حسب نوعياتها و ألوانها؛ پس به من جواب داد: قیمت‌ها بر اساس اجناس و رنگ‌هایشان مختلف است!

۱۴۶۶. عَيْنُ الْخَطَا:

- ۱) متجر صدیقی هناك، أظن أن نوعیة سراويله أفضل؛ مغازه دوست من آن جا است، گمان می‌کنم که جنس شلوارهایش بهتر است!
- ۲) أعطانی بعد التخفیض ثلاثمائة و عشرين ألف تومان؛ پس از تخفیف، سیصد و بیست هزار تومان به من بده!
- ۳) شبة صوت من یرفعه دون دلیل بصوت الحمار؛ صدای کسی که بی دلیل آن را بالا می‌برد، به صدای خر تشبیه شده است!
- ۴) یجب أن لا نرفع صوتنا فوق صوت الذی نتکلم معه؛ نباید صدایمان را بالای صدای کسی ببریم که با او صحبت می‌کنیم!



## ۱۴۶۷. عَيْنُ الْخَطَا:

(خارج کشور انسانی ۹۹)

- ۱) إِنَّ الصَّبْرَ عَلَى مَا أَصَابَنَا، يَجْعَلُنَا مِنَ الصَّابِرِينَ؛ أَنْ صَبِرَ كَ فِي مَصْنَبٍ بِهٖ مَا دَسْتِ مِی دَهْد، مَا رَا از صَابِرَانِ مِی گِرْدَانْد!
- ۲) إِنَّهُ الطِّفْلُ الَّذِي يَتَقَرَّبُ مِنَ النَّارِ وَلَا يَعْرِفُ خَطَرَ ذَلِكَ؛ كَوْدُكِي رَا كِه بَه آتَشِ نَزْدِیكِ مِی شُود وَ خَطَرَانِ رَا نَمِی دَانْد نَهِي كُن!
- ۳) تَصْغِيرُ الْخَدِّ عِنْدَ الْغَضَبِ عَلَامَةٌ مِنَ عَلَائِمِ الْمَعْجَبِينَ بِأَنْفُسِهِمْ؛ رُوی بَرِگِرْدَانْدِن چِهْرَه هِنْگَامِ خَشْمِ عَلَامَتِي از عَلَامَتِ هَايِ خُودِپَسَنْدَانِ اسْت!
- ۴) إِذَا نَشَأَ أَنْ تَعْمَرَ الْحِكْمَةَ فِي قَلْبِنَا فَعَلِينَا أَنْ نَكُونَ مُتَوَاضِعِينَ؛ هِرْگَاهِ بَخُوهِيمِ كِه حَكْمَتِ دَرِ قَلْبِمَانِ مَانْدِگَارِ شُود بَرِ مَا اسْت كِه مُتَوَاضِعِ بَاشِيم!

## ۱۴۶۸. عَيْنُ الْخَطَا:

(انسانی ۹۸)

- ۱) كُنْتُ فَرِحْتُ مِنْ أَنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبُ السَّيِّئَاتِ؛ از اِيْنِ كِه خُوبِي هَا، بَدِي هَا رَا از بِيْنِ مِی بَرْد، شَاد شُدِه بُوْدَم!
- ۲) كَادَتْ بَنْتِي تُجَهِّرُ بِغَضَبِهَا عِنْدَ الضِّيُوفِ لَمَّا نَصَحْتُهَا؛ وَفْتِي دَخْتَرَمِ رَا نَزْدِ مِهْمَانَانِ نَصِيحَتِ كَرْدَمِ نَزْدِیكِ بُوْدِ خَشْمِشِ رَا أَشْكَارِ كَنْد!
- ۳) كُنْ سَاكِنًا وَ رَاقِبًا أَنْ لَا يَجْرِيَ عَلَيَّ لِسَانُكَ مَا لَيْسَ لَكَ بِهٖ عِلْمٌ؛ سَاكْتِ بَاشِ وَ مَرَاقِبِ بَاشِ كِه بَرِزْبَانَتِ چِيْزِي كِه بَدَانِ عِلْمِ نَدَارِي، جَارِي نَشُود!
- ۴) لَمَّا بَدَأَتْ بِأَنْ تُعَيِّبَ الْآخِرِينَ إِعْلَمُ أَنْ ذَلِكَ نَفْسُهُ مِنْ أَكْبَرِ الْعِيُوبِ؛ وَفْتِي شُرُوعِ بَه عَيْبِگِيْرِي از دِيْگِرَانِ كَرْدِي، بَدَانِ كِه آن خُودِشِ از بَزْرَگِ تَرِيْنِ عَيْبِ هَاسْت!

## ۱۴۶۹. عَيْنُ الْخَطَا:

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) بِحَبِّ الْآبَاءِ وَالْأُمَّهَاتِ رُؤْيَةُ أَوْلَادِهِمْ فِي أَحْسَنِ حَالٍ؛ پَدْرَانِ وَ مَادْرَانِ دُوسْتِ دَارَنْدِ فِرْزَنْدَانِشَانِ رَا دَرِ بَهْتَرِيْنِ حَالَتِ بِيْنَنْد!
- ۲) لَا تَرْفَعُ صَوْتَكَ فَوْقَ صَوْتِ مَخَاطِبِكَ لِأَنَّهُ عَمَلُ سَيِّئٍ؛ صَدَايَتِ رَا بَالَايِ صَدَايِ مَخَاطِبَتِ بَلَنْدِ مَكْنِ زِيْرَا آن كَارِ بَدِي اسْت!
- ۳) لَا تُسَبِّحْ مَنْ يَسْتَبِحُكَ تَكْتَسِبُ الْمَعَالِي؛ كَسِي رَا كِه بَه تُو دَشْتَامِ دَهْد، دَشْتَامِ مَكُوِي تَا دَرَجَاتِ بَالَا رَا كَسْبِ كَنْي!
- ۴) أَهْلَكَ النَّاسُ إِتْنَانَ؛ خُوفِ الْفَقْرِ وَ طَلْبِ الْفَخْرِ؛ هَلَاكِ تَرِيْنِ مَرْدَمِ دُو تَا هَسْتَنْد؛ تَرَسِ فَقْرِ وَ طَلْبِ افْتِخَارِ!

## ۱۴۷۰. عَيْنُ الضَّحِيح:

- ۱) شَرُّ الْإِنْسَانِ مِنَ النَّاسِ ذُو الْوَجْهِينِ؛ بَدْتَرِيْنِ مَرْدَمِ انْسَانِ دُورُو اسْت!
- ۲) خَيْرُ الْأُمُورِ أَوْسَطُهَا؛ بَهْتَرِيْنِ كَارِهَا مِيَانِه تَرِيْنِ اسْت!
- ۳) أَنْجَحُ التَّلَامِيذِ مَنْ يَجْتَهِدُ كَثِيرًا؛ از بِيْنِ دَانِشِ آمُوزَانِ كَسِي كِه بِيْشْتَرِ تَلَاشِ كَنْدِ مَوْفِقِ مِی شُود!
- ۴) أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ الْعَمَلُ بِالْقُرْآنِ؛ بَرْتَرِيْنِ كَارِهَا عَمَلِ كَرْدِنِ بَه قُرْآنِ اسْت!

## ۱۴۷۱. عَيْنُ الضَّحِيح:

- ۱) الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ؛ امْرُوزَ دِيْنَتَانِ بَرَايِ شَمَا كَامِلِ شُد!
- ۲) إِذَا مَلَكَ الْأَرَادُلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ؛ اِگِرِ فِرُومَايِگَانِ فِرْمَانِرُو شُوند، شَايَسْتِگَانِ رَا هَلَاكِ كَنْد!
- ۳) «أَنْتُمْ الْأَعْلُونَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ شَمَا بَرْتَرِيْدِ اِگِرِ مُؤْمِنِ بَاشِيْد!
- ۴) إِعْلَمُ أَنْ عَمَلَ الْخَيْرِ يَبْقَى وَ الشَّرِّ يَفْتِي؛ مِی دَانَمِ كِه كَارِ نِيكِ مِی مَانْدِ وَ كَارِ بَدِ از بِيْنِ مِی رُود!

## ۱۴۷۲. عَيْنُ الضَّحِيح:

(خارج کشور ۹۸)

- ۱) أَمْتَنِي أَنْ تَتَقَدَّمَ فِي هَذِهِ السَّنَةِ؛ آرْزُو مِی كَنْمِ امْسَالِ بِيْشْرَفْتِ كَنْي!
- ۲) أُرِيدُ رَجُوعَكَ إِلَى بَيْتِكَ يَا أَبِي؛ مِی خُوهِمِ بَه خَانِه بَرِگِرْدِي اِي پَدْرَم!
- ۳) عَزَمْتُ أَنْ أَذْهَبَ إِلَى الْمَدَارِسِ الدِّيْنِيَّةِ؛ خُوهَسْتَمِ بَه مَدْرَسَهٗ دِيْنِي بَرُوم!
- ۴) مَا شَاهَدْتُ دَرِ اسْتِكِ فِكِيْفِ تَنْجِيْحِ؛ نَدِيْدَمِ دَرِسِ بَخُوهَانِي پَسِ چِگُوهِنِه مَوْفِقِ شُدِي!

## ۱۴۷۳. عَيْنُ الضَّحِيح:

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۱) النَّاسُ يَكْرَهُونَ مَنْ يَكُونُ ذَا وَجْهِينِ؛ مَرْدَمِ شَخْصِ دُورُو رَا دُوسْتِ نَدَارَنْد!
- ۲) عَلَيْنَا أَنْ نَقْصِدَ فِي الْمَشْيِ وَلَا نَمْشِيَ مَرْحًا؛ مَا بَايْدِ دَرِ رَاهِ رَفْتِنِ مِيَانِه رُويِ كَنْيْمِ وَ بَا سَرْمَسْتِي رَاهِ نُرُويْم!
- ۳) شَرُّ النَّاسِ مَنْ لَا يَعْتَقِدُ الْأَمَانَةَ وَلَا يَجْتَنِبُ الْخِيَانَةَ؛ بَدْتَرِيْنِ مَرْدَمِ كَسِي اسْت كِه اعْتِقَادِي بَه اَمَانَتِ نَدَارْدِ وَ خِيَانَتِ رَا دُورِ نَمِی كَنْد!
- ۴) دَعِ شَاتِمَكَ مَهَانًا تُرْضِ الرَّحْمَنَ؛ دَشْتَامِ دَهْنْدِهَاتِ رَا بَا خُوهَارِي رَهَا كُنْ وَ خُدَاوَنْدِ رَحْمَانِ رَا رَاضِي گِرْدَان!

## ۳. تَصْرِيح

## ۱۴۷۴. «محبوبترین فرد از معلمان آن کسی است که شاگردانش را تعلیم می دهد»:

- ۱) أَحَبُّ مِنَ الْمَعْلَمِينَ الْمَشْفِقِينَ مَنْ يُعَلِّمُ طَلَّابَهُ
- ۲) أَحَبُّ شَخْصٍ مِنَ بَيْنِ الْمَعْلَمِينَ مَنْ يُعَلِّمُ طَلَّابَهُ
- ۳) مِنَ الْمَعْلَمِينَ أَحَبُّ مَنْ يُعَلِّمُ الطَّلَابَ
- ۴) أَحَبُّ مِنَ الْمَعْلَمِينَ مَنْ يَتَعَلَّمُ طَلَّابَهُ

(تجربى ۹۹)

## ۱۴۷۵. «عالمترین مردم کسی است که علم مردم را بر علم خود افزود»:

- ۱) أَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ جَمَعَ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ
- ۲) الْأَعْلَمُ النَّاسِ مَنْ قَدْ يَجْمَعُ عَلَى عِلْمِهِ عِلْمَ النَّاسِ
- ۳) الْأَعْلَمُ مِنَ النَّاسِ الَّذِي يَجْمَعُ عِلْمَ النَّاسِ إِلَى عِلْمِهِ
- ۴) أَعْلَمُ مِنَ النَّاسِ هُوَ الَّذِي قَدْ جَمَعَ إِلَى عِلْمِهِ عِلْمَ النَّاسِ

(هنر ۹۹)

## ۱۴۷۶. «در ترازوی چیزی سنگین تر از خوی نیکو نیست»:

- ۱) لَيْسَ الشَّيْءُ فِي مِيزَانٍ أَثْقَلُ مِنْ حُسْنِ الْخُلُقِ
- ۲) فِي مِيزَانِ الشَّيْءِ لَيْسَ ثَقِيلٌ مِثْلَ حَسَنِ الْأَخْلَاقِ
- ۳) فِي الْمِيزَانِ لَيْسَ شَيْءٌ ثَقِيلٌ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْحَسَنِ
- ۴) لَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ مِنَ الْخُلُقِ الْحَسَنِ



۱۴۷۷. امروز در جهان کنونی ترک کردن کوچک ترین اشتباهات، از بزرگ ترین فضیلت ها به شمار می آید! (ریاضی ۹۶)

- (۱) اليوم في العالم الحالي ترك أصغر الخطأ يعتبر من أكبر فضائلك!  
(۲) اليوم في العالم المعاصر ترك أصغر الأخطاء يُعدّ من أكبر الفضائل!  
(۳) هذه الأيام في العالم الحالي ترك أصغر معاصيك يعدّ من أكبر فضائلك!  
(۴) هذا اليوم في العالم المعاصر ترك الاشتباهات الأصغر يعتبر من فضائل أكبر!

۱۴۷۸. «بهترین بندگان خداوند کسانی هستند که در زندگی به دیگران سود می رسانند!» (کانون فرهنگی آموزش)

- (۱) خير عباد الله من ينفعون الآخرين في الحياة!  
(۲) أحبّ عباد الله أنفعمهم لعباده في الحياة!  
(۳) عباد الله الذين ينفعون الآخرين في الحياة هم خير العباد!  
(۴) أحبّ العباد هم الذين ينفع الآخرون منهم في حياتهم!

۱۴۷۹. «فرو خوردن خشم از صفات مؤمن واقعی است، زیرا مؤمنان همواره بر خشم خود غلبه می کنند!» (خارج کشور انسانی ۹۶)

- (۱) التغلب على الغيظ خصيصة من خصائص المؤمنين الحقيقيين لأنهم يتغلبون دائماً على الغضب!  
(۲) من صفات المؤمن الحقيقي التغلب على غضبه، لأنه يتغلب المؤمنون على غضبهم دائماً!  
(۳) من خصائص المؤمنين الحقيقيين كظم الغيظ، لأنها الخصيصة الدائمة للمؤمن الحقيقي!  
(۴) كظم الغيظ من صفات المؤمن الحقيقي، لأن المؤمنين يتغلبون على غيظهم دائماً!

۱۴۸۰. «يك ساعت تفکر بهتر از هفتاد سال عبادت است!» (ریاضی ۹۹)

- (۱) تفکر ساعه خير من عبادة سبعين سنة!  
(۲) الساعة في التفكير أفضل من سبعين سنة العبادات!  
(۳) التفكير في الساعة خير من العبادة من سبعين السنة!  
(۴) ساعة واحدة من التفكرات أفضل من سنة سبعين من العبادات!

۱۴۸۱. زحمت پدر و مادر بسیار بیشتر از اشتباهاتشان است، پس به آن ها فقط با مهربانی بنگر!» (هنر ۹۷)

- (۱) إن الوالدين يتعبان تعباً كثيراً من أخطائهما، فلا تشاهدهما إلا باللطف!  
(۲) إن تعب الوالدين أكثر بكثير من خطاياهما، فلا تنظر إليهما إلا بالرفقة!  
(۳) إن الكدح والتعب للوالدين أكثر جدّاً من الخطايا، فانظر إليهما بالرحمة فقط!  
(۴) إن نصب الوالدين وكدهما كثيراً جدّاً من الأخطاء، فيجب أن تشاهدهما بالرفق فقط!

۱۴۸۲. «وارد کردن شادی به دل های مؤمنان از بزرگ ترین کارهایی است که خداوند آن را دوست دارد!» (کانون فرهنگی آموزش)

- (۱) دخول السرور على قلوب المؤمنين من أعمال عظيمة تحبها الله!  
(۲) إدخال السرور على قلوب المؤمنين من أعظم الأعمال التي يحبها الله!  
(۳) من أعظم الأعمال التي تُحبّه الله هي دخول السرور على قلب المؤمن!  
(۴) إن الأعمال الأعظم التي يُحبّها الله هو إدخال الفرح على قلوب المؤمنين!

۱۴۸۳. «از بین مدارس شهر، مدرسه ما برتر از بقیه مدارس دیگر است!» (خارج کشور ۹۷)

- (۱) من بين مدارس المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!  
(۲) من بين مدارس هذه المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!  
(۳) من بين المدارس في المدينة، مدرستنا خير من بقية المدارس الأخرى!  
(۴) من بين مدارس المدينة، مدرستنا أفضل من بقية المدارس الأخرى!

۱۴۸۴. «بزرگ ترین ثروت ما اخلاق و انسانیت ماست و برای آن ها جایگزینی نیست!» (خارج کشور ۹۷)

- (۱) لا بديل لأخلاقنا وإنسانيتنا لأنه ثروتنا العظيمة!  
(۲) أعظم ثروتنا أخلاقنا وإنسانيتنا وليس لهما بديل!  
(۳) ليس لأخلاقنا وإنسانيتنا بديلاً لأنهما أعظم ثروتنا!  
(۴) أعظم ثروتنا الذي ليس لها بديل أخلاقنا وإنسانيتنا!

## واژگان (۲۶ تست)



### ۱. تصريف لغت و کاربرد آن

۱۴۸۵. عَيْنُ الخَطَا:

- (۱) أقَامَ: وقف و جلب انتباه الآخرين!  
(۲) أَمَرَ: من يأمر الآخرين بفعل عمل!  
(۳) يَعْمُرُ: يبقى و يعيش لِزَمَانٍ طَوِيلٍ!  
(۴) الجَبَّارُ: المُسْتَبَدُّ الذي لا يرى لأحد عليه حقاً!

۱۴۸۶. عَيْنُ الضَّحِيح:

- (۱) الأَنْكَرُ: اسم تفضيل يبين أن عملاً أو فعلاً ارتكابه جائز!  
(۲) نُهَى: شجع الآخرين وأمرهم أن يفعلوا ما أريد منهم!  
(۳) اقتصد: ابتعد عن الإفراط والتفريط واعتدل في عمله!  
(۴) الثَّرَوِيُّ: إكمال الوظائف العقلية و الخلقية و يتحقق في الصغرا!

۱۴۸۷. عَيْنُ الخَطَا:

- (۱) الاستهلاك: استخدام شيء أو تناول ما كُول و من يفعله فهو مُستهلك!  
(۲) الفُخُورُ: صفة لمن يفخرُ بأصله أو نسبه و يرى نفسه أعلى من الآخرين!  
(۳) الحمار: حيوان كان يُستخدمُ للحمل و الركوب في الزمان القديم!  
(۴) الخَدُّ: عضو في الوجه يقع فوق العيون و لنا خَدَّان!

۱۴۸۸. عَيْنُ الضَّحِيح:

- (۱) إهْتَدَى: هدى غيره إلى الصراط المستقيم و السبيل الصحيح!  
(۲) الفُنُونُ: إبداعات يستفيدُ خالقها من خياله و نبوغه لخلقها!  
(۳) القِيمُ: صفة لشيء أو بضاعة ليست له قيمة كثيرة!  
(۴) المُخْتَالُ: الذي يُرَجِّح الساترين على نفسه في جميع الشؤون!



١٤٨٩. الجواب هو: «حالة يتخضع بها الإنسان من إعجابه بنفسه و ذلك أن يرى نفسه أكبر من غيره».

(١) عَجِب (٢) إعجاب (٣) عَجِب (٤) عَجِب

١٤٩٠. عَيْنُ الضَّحِيحِ:

(١) إِذْنٌ: السَّمَاحُ لِأَحَدٍ أَوْ شَخْصٍ لِلْقِيَامِ بِعَمَلٍ  
(٢) المَرَحُ: صفة بمعنى العجب والاختيال والتكبر  
(٣) المُتَنَكَّرُ: عملٌ أُكِّدَ عَلَى الْقِيَامِ بِهِ فِي تَعَالِيمِ دِينِنَا  
(٤) قَدَّمَ: مشى و سار و تحرك من مكانه

١٤٩١. عَيْنُ الخَطَا:

(١) النَّاهِي: الَّذِي يَمْنَعُ الْآخَرِينَ عَنِ ارْتِكَابِ عَمَلٍ وَ جَمَعَهُ «النَّهْيَةُ»  
(٢) حَتَّى: صفة للإنسان الذي ما مات و يعيش  
(٣) التَّمَوِّذُجُ: مثال يُعْمَلُ عَلَيْهِ أَوْ يَقْتَدَى بِهِ  
(٤) أَهْدَى: قَدَّمَ شَيْئًا أَوْ أَعْطَى هَدِيَّةً لِشَخْصٍ تَقْدِيرًا لَهُ

١٤٩٢. عَيْنُ الخَطَا:

(١) ضَلَّ: انْحَرَفَ عَنِ السَّبِيلِ الْحَقِّ وَأَقْبَلَ عَلَى الطَّرِيقِ الْبَاطِلِ  
(٢) المَجَادَلَةُ: استمرار الجدل و المناقشة حول موضوع معين  
(٣) دَغٌّ: إِسْأَلٌ حَاجَتِكَ وَ اطْلُبْ مِنْ رَبِّكَ أَنْ يَسْتَجِيبَهَا  
(٤) الشُّعْرُ: تَمَنُّ بِضَاعَةٍ أَوْ شَيْءٍ نَدَفَعَهُ عِنْدَ الْاِشْتِرَاءِ

١٤٩٣. عَيْنُ غَيْرِ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاعَاتِ:

(١) يَكُونُ سَعْرُ الْبِضَاعِ \_\_\_\_\_ مِنْ فَضْلِكَ \_\_\_\_\_: ا، رخيصاً / خَفِضَ  
(٢) لَا \_\_\_\_\_ صَوْتِكَ أَمَامَ مَنْ أَكْبَرَ مِنْكَ، بَلْ \_\_\_\_\_ مِنْهُ: ا، تَرَفَّعَ / أَغْضَضَ  
(٣) \_\_\_\_\_ فِي أَعْمَالِكَ، فَخَيْرُ الْأُمُورِ \_\_\_\_\_ بِهَا: ا، اقصد / أَوْسَطَ  
(٤) \_\_\_\_\_ الصَّلَاةَ وَ \_\_\_\_\_ الزَّكَاةَ، لِأَنَّ أَمْرَنَا بِأَدَاءِ هُمَا: ا، اقم / آتَ

١٤٩٤. عَيْنُ الخَطَا فِي تَكْمِيلِ الْفَرَاعَاتِ التَّالِيَةِ:

(١) زَمِيلِي مُحَمَّدٌ \_\_\_\_\_ طَالِبٌ فِي الصَّفِّ: ا، حُسْنُ  
(٢) وَأَنَا أَعْتَقِدُ أَنَّ مَهْدِيًّا \_\_\_\_\_ مِثْلَهُ: ا، حَسَنٌ  
(٣) وَلَكِنْ بِرَأْيِي عَلَيَّ \_\_\_\_\_ الثَّلَاثَةَ: ا، أَحْسَنُ  
(٤) لَا، كَلِّهِمْ طَلَّابٌ \_\_\_\_\_ عِنْدَنَا: ا، أَحْسِنُ

(كانون فرهنگي آموزش)

(١) هِيَ تَعْمُرُ فِي قَلْبِ الْمُتَوَاضِعِ لَا الْمُتَكَبِّرِ: (الحكمة)  
(٢) الْمُؤْمِنُ لَا يَمْشِي فِي الْأَرْضِ بِهَذِهِ الْحَالَةِ: (مَرَحًا)  
(٣) نَحْنُ نَهْتَمُّ بِالِاِقْتِصَادِ فِيهِ: (استهلاك الماء)  
(٤) عَلَى الْإِنْسَانِ أَنْ يَدْعَهُ لِأَنَّهُ مُهَانٌ: (الحليم)

١٤٩٦. «المواعظ» \_\_\_\_\_ الَّتِي جَاءَتْ فِي الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ تَهْدِفُ أَنْ \_\_\_\_\_ الْإِنْسَانَ إِلَى الصِّرَاطِ الْمُسْتَقِيمِ: ا، عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِتَكْمِيلِ الْفَرَاعِينَ:  
(١) التَّوْبَةُ - تَهْتَدِي  
(٢) الْمُنَاطِقَةُ - تَقْدَمُ  
(٣) الْمَقْبُولَةُ - يَهْدِي  
(٤) الْقِيَمَةُ - تَهْدِي

١٤٩٧. عَيْنُ الخَطَا لِتَكْمِيلِ الْفَرَاعَاتِ:

(١) لَا \_\_\_\_\_ مِنْ لَا فَايِدَةَ فِي هِدَايَتِهِ إِلَى السَّبِيلِ الضَّحِيحِ: تُجَادِلُ  
(٢) \_\_\_\_\_ اللَّهُ الَّذِينَ يَرْفَعُونَ أَصْوَاتَهُمْ دُونَ دَلِيلِ بِالْحِمَارِ: نَبِيَّهُ  
(٣) \_\_\_\_\_ هُوَ صِفَةٌ بِمَعْنَى الْمُسْتَبَدِّ الَّذِي لَا يَرَى لِأَحَدٍ عَلَيْهِ حَقًّا: الْفَخُورُ  
(٤) عِنْدَمَا ذَكَرَ الْمُؤْمِنُ أَنْعَمَ اللَّهُ وَضَعُ \_\_\_\_\_ عَلَى التُّرَابِ شُكْرًا لَهَا: خَدًا

١٤٩٨. عَيْنُ الخَطَا:

(١) «الغيبه» هِيَ أَنْ تَذْكَرَ الْآخَرِينَ بِمَا يَكْرَهُونَ  
(٢) «التمجس» سَعْيٌ لِمَعْرِفَةِ أُمُورِ الْآخَرِينَ وَ هُوَ مِنْ قَبَائِحِ الْأُمُورِ  
(٣) «الميت» هُوَ الَّذِي قَدْ خَرَجَتْ رُوحُهُ مِنْ بَدَنِهِ وَ لَا يَتَنَفَّسُ  
(٤) «الحجرات» جَمْعُ حَجْرَةٍ، وَ هِيَ سُورَةٌ فِي الْقُرْآنِ مَشْهُورَةٌ بِالْعُرُوسِ

(انساني ٩٨)

(تجربى ٩٨)

١٤٩٩. \_\_\_\_\_ الْبِضَاعِ \_\_\_\_\_ فَالْأَسَاءُ طَلَبُوا مِنَ الْحُكُومَةِ أَنْ \_\_\_\_\_: ا، عَيْنُ الْمُنَاسِبِ لِلْفَرَاعَاتِ:  
(١) قِيَمَةٌ / يَزِيدُ / تَقْلِبُهَا  
(٢) ثَمَنٌ / كَثُرَتْ / تَمَرَّرَهَا  
(٣) أَسْعَارٌ / ارْتَفَعَتْ / تُخَفِّضُهَا  
(٤) نَقُودٌ / يَرْتَفِعُ / تُمْنِعُهُمَا

## ٢. مترادف و متضاد

١٥٠٠. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ الْمُرَادِفُ:

(١) اجْتَنَبَ كَثِيرًا مِنَ الْاِخْتِيَالِ وَ الْإِعْجَابِ بِالنَّفْسِ  
(٢) ارْتَفَعَ تَمَنُّ الْبِضَاعَاتِ وَ قَلَّ سَعْرُ بَعْضِ الْفَوَاكِهِ  
(٣) اشْتَرَيْتُ ثِيَابًا وَ أَلْبَسْتُ وَ خَفَّضْتُ لِي الْبَانِعُ  
(٤) اللَّهُ يَنْهَى النَّاسَ عَنِ الْعُجْبِ وَ يَأْمُرُهُمُ بِالْتَوَاضِعِ

١٥٠١. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ التَّضَادُّ:

(١) اغْضَضَ مِنْ صَوْتِكَ، فَلَيْسَ مِنَ الْاَدَبِ أَنْ تَرْفَعَهُ  
(٢) أَمْرُنِي وَالِدِي بِالْعَمَلِ الصَّالِحِ وَ نَهَانِي عَنِ الْمُنْكَرِ  
(٣) هَذِهِ الْجُمْلَةُ مِنَ التَّمَاذِجِ وَ الْأَمْثَلَةِ الَّتِي تُسْتَعْمَلُ كَثِيرًا  
(٤) عَلَيْكَ بِالِاِقْتِصَادِ فِي سُلُوكِكَ وَ امْنَعْ عَنِ الْاِفْرَاطِ

١٥٠٢. عَيْنُ مَا لَيْسَتْ فِيهِ الْمَعْرُودَاتُ الْمُتَضَادَّةُ أَوْ الْمُرَادِفَةُ:

(١) التَّجَسُّسُ مِنَ الْأَخْلَاقِ الشَّيْئَةِ وَ التَّوَاضُّعُ مِنَ الْأَخْلَاقِ الْحَسَنَةِ  
(٢) تَلَا الْقَارِئُ الْمَشْهُورُ آيَاتَ مِنْ سُورَةِ الْحَجْرَاتِ بِصَوْتٍ جَمِيلٍ  
(٣) الْكُفَّارُ وَ الْمَلْحُدُونَ يَقُومُونَ بِفَضْحٍ وَ يَكْشِفُونَ أَسْرَارَ الْآخَرِينَ  
(٤) الْإِنْسَانُ الْمَتَكَبِّرُ وَ الْمَغْرُورُ لَا يُحْسِنُ إِلَى الْفُقَرَاءِ فِي حَيَاتِهِ



### ۱۵-۲. عَيْن ما فيه الترادف:

- (۱) أهدي والدي في عيد ميلادي سيارة و قدّم مفتاحها إليّ!
- (۳) يعجبني مشي هذا الرجل الظاهر و سلوكه جدّاً!

### ۱۵-۴. عَيْن ما فيه المترادف:

- (۱) أتيتها المؤمنون! لا يضرّكم من ضلّ إذا اهتديتم!
- (۳) دع هذا الشاتم و أتركه لحاله فلا فائدة في المجادلة معه!

### ۱۵-۵. في أيّ عبارة ما جاء المترادف أو المتضاد:

- (۱) العلاقات و التوصلات أصبحت سهلة للناس!
- (۳) أفضل الإنسان هو من أحسن إلي من أساء إليه!

### ۱۵-۶. ما هو الصحيح في المرادفات:

- (۱) أعلم الناس من جمع علم الناس إلى علمه: علم!
- (۳) أعطيتني التخفيض لأجل شراء الملابس: وهبني!

### ۱۵-۷. عَيْن ما ليست فيه المفردات المتضادة:

- (۱) إن تخفي أو تُظهرى هذه الأسرار، سوف تفضي يوماً!
- (۳) الله يأمر المؤمن أن يقيم الفرائض و ينهاه عن الذنوب!

### ۱۵-۸. عَيْن ما فيه المترادف:

- (۱) يدعو الأنبياء الناس إلى التوحيد و الاجتناب عن الشرك!
- (۳) سار جيبوسنا العظيمة نحو مناطق واقعة وراء ذلك الجبل!

### ۱۵-۹. عَيْن عبارة خالية عن المتضاد:

- (۱) الحياة السفلى للمتكاسلين و الفضلى للمجدّين!
- (۳) خير الكلام ما قلّ و دلّ و شرّه ما يتعب الناس!

### ۱۵۱- عَيْن ما ليست فيه المفردات المترادفة:

- (۱) انبعث الجندي إلى مكان بعيد ثم أرسل إلى الحدود!
- (۳) الاستفادة من البيانات مناسبة لمعالجة الأمراض و مداوانها!

- (۲) الكذب أقيح و أنكر عمل مُنع الجميع عنه في ديننا!
- (۴) الإنتاج الأكثر للاستهلاك الأكثر، هذا يمنع تقدّمنا!

- (۲) العمل بالأحكام الإلهية يُحقّق لنا السعادة الدنيوية و الآخروية!
- (۴) و لا تمشي إلا مُتواضعاً فكم قوماً تحت الأرض أرفع منك!

- (۲) سعر هذه الفساتين غالية نبحت عن أرخص عنها!
- (۴) ليس جميلاً أن يرى الإنسان عيوب الآخرين فقط!

(۲) ربنا آمناً فاغفر لنا: استغفر!

(۴) قد يكون بيننا من هو خير منا: أحسن!

- (۲) لُقبت هذا العادل بلقب سيئ فأنت الظالم و هو المظلوم!
- (۴) اقرأ آيات من أكبر سُور القرآن في الاصطلاف الضباحي عدّاً!

- (۲) توكل على الله في شؤونك و فكّر قليلاً قبل فعل كل أمور!
- (۴) غضب كثير من الأمم بعد هجوم الأعداء على الفلسطينيين!

(۲) راقب ألا تزل أقدامك بعد أن اهتديت!

(۴) سوء التغذية مرض لا يفرق بين الغني و الفقير!

- (۲) عندما يصاب الفظ بمرض يلحق جروحته حتى تلتئم!
- (۴) أرشد الدليل الشائح و دلّه إلى مكان يبحث عنه!

## مفهوم و محالمة (۱۵ تست)



### ۱۵۱۱. عَيْن العبارة التي يختلف مفهومها عن العبارات الأخرى:

- (۱) أحبّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده!
- (۳) خير الناس من نفع الآخرين!

### ۱۵۱۲. عَيْن ما يُعادل مفهوم العبارة: «السكوت ذهب و الكلام فضة»:

- (۱) می شود چون به سخن گوهر هر کس پیدا
- (۲) مرد نهان زبیر دل است و زبان
- (۳) مصلحت توست زبان زبیر کام
- (۴) هتر به دست بیان است از اختیار سخن

### ۱۵۱۳. لا يكون الغرض من العبارة: «عداوة العاقل خير من صداقة الجاهل»:

- (۱) كنتار عاقلت به حق در چشم
- (۲) اگر نادان بود خصم تو بهتر
- (۳) مهر ابله مهر خرس آمد يقين
- (۴) گفت پیغمبر عداوت از خرد

### ۱۵۱۴. ما هو الخطأ؟

- (۱) خير الأمور أوسطها ← الاجتناب عن الإفراط و التفریط!
- (۲) شر الناس ذو وجهين ← ينس الإنسان المتلون!
- (۳) أحبّ عباد الله إلى الله أنفعهم لعباده ← يُحبّ الله من ينفع عباده و لا ينفع نفسه!
- (۴) گرت عیب جویی بود در سرشت / نبینی ز طاووس جزای زشت ← الجمال ينبعث من نفس الإنسان و كيفية نظرتّه إلى الحياة!



۱۵۱۵. «خیر الکلام ما قلّ و دلّ، عین الضحیح فی مفهوم العبارة»:

- ۱) به خنده گفت که سعدی سخن دراز مکن
- ۲) کسی را که یزدان فزونی دهد
- ۳) بی سخن آوازه عالم نبود
- ۴) چو یاقوت باید سخن بی زبان

(کانون فرهنگی آموزش)

- ۲) نباید سخن گفت ناساخته / نشاید بریدن نینداخته!
- ۴) چو گفتار بیهوده بسیار گشت / سخنگوی در مردمان خوار گشت!

۱۵۱۶. «الشکوت ذهبٌ و الکلام فضةٌ!، عین الأنسب للمفهوم»:

- ۱) إذا قلّ الخطاب كثّر الصواب!
- ۳) کلامٌ فی حقّ خیر من سکوتٍ علی باطل!

۱۵۱۷. «لا یستنتج من العبارة: «خیر إخوانی من أهدی إلیّ غیوبی!»:

- ۱) من ستر عیبک فهو عدوک!
- ۳) عتاب دوست خوش باشد ولیکن / سران را نیز پایانی بیاید!

(کانون فرهنگی آموزش)

۱۵۱۸. «و عباده الزحمن الذین یمشون علی الأرض هوناً» عین الأنسب للمفهوم»:

- ۱) تواضع کن ای دوست با خصم تند / که نرمی کند تبغ برزنده کند!
- ۳) هر که بالاترست منزل او / به تواضع رغوب تردل او!

- ۲) یارجل! تواضعک فی شرفک أفضل من شرفک!
- ۴) المؤمن یتعامل الضعیف بالتواضع والقوی بالعجب!

۱۵۱۹. «عین ما لا یرتبط بمفهوم الآیة الشریفة: «یا أیها الذین آمنوا! اجتنبوا كثيراً من الظنّ إن بعض الظنّ إثمٌ»:

- ۱) پای مرغت را ببند همسایهات را دزد نکن
- ۳) بیدل از این ستم‌کده راحت کس گمان مبر

- ۲) هر جا اثر وهم و گمان رفت یقین ماند
- ۴) ظن بد بردن به مردم، بد به خود کردن است

۱۵۲۰. «عین الأبعد فی المفاهیم»:

- ۱) «لا تمش فی الأرض مرحاً»: تاخ المروءة التواضع!
- ۲) خیر الأمور أوسطها: لا هذا و لا ذاك، بل شیءٌ بینهما!
- ۳) خیر إخوانکم من أهدی إلیکم عیوبکم: الذی لم یجالس إلا من لا عیب فیهِ قلّ صدیقہ!
- ۴) شرّ الناس ذو الوجهین: المنافقون من أسوء الناس!

۱۵۲۱. «عین غیر المترابط فی المفاهیم»:

- ۱) «و جادلهم بالّتی هی أحسن»: إن یجادلوك فأحسین إلیهم!
- ۳) خیر الناس من نفع الآخرين: أحبّ عباد الله إلی الله أنفعهم لعباده!

- ۲) لا عوقب الأحمق بمثل الشکوت عنه: عدم الجواب جواب!
- ۴) إذا ملک الأراذل هلک الأفاضل: إذا حکم اللّثام فمات الکرام!

۱۵۲۲. «عین الجواب الضحیح للسؤال: «کم یسفر هذا القميص الزجالی؟»:

- ۱) أبيض و أسود و أزرق و أحمر!
- ۳) خمسة و سبعون ألف تومان!

- ۲) ذلك متجزمیلی، له سراويل أفضل!
- ۴) عندنا أسعار مختلفة، تفضلی أنظری!

۱۵۲۳. «عین الخطأ: «هل عندک سراويل أفضل من هذا؟ ذلك متجزمیلی، له سراويل...»:

- ۱) أحسن
- ۲) أفضل
- ۳) خیر من هذه
- ۴) أرخص

۱۵۲۴. «عین الخطأ حسب الحوارات»:

- ۱) کم صار المبلغ؟: أعطینی بعد التخفیض متین و ثلاثین ألفاً!
- ۳) بگم تومان هذه الفساتین؟: ستة و ثمانون ألف تومان!

- ۲) أريد سراويل أفضل من هذه: عندنا بسبعین ألف تومان!
- ۴) الأسعار باهظة: یختلف الشعر حسب النوعیات!

۱۵۲۵. «عین الجواب غیر المناسب للسؤال: «کم یسفر هذا السروال الزجالی؟»:

- ۱) سیّدی، یختلف الشعر حسب النوعیات!
- ۳) هذه الأسعار غالية جداً!

- ۲) خمسة و سبعون ألف تومان!
- ۴) تبدأ الأسعار من أربعة و سبعین ألفاً إلى خمسة و تسعین ألف تومان!

## قواعد (۷۱ تست)



۱۵۲۶. «عین ما لیس فیهِ اسم التفضیل»:

- ۱) أحسن
- ۲) أشجع

- ۳) أزرق
- ۴) أكثر

۱۵۲۷. «عین الجواب الذی لیس فیهِ اسم التفضیل»:

- ۱) أصغر
- ۲) أنفع

- ۳) أسود
- ۴) أجمل

۱۵۲۸. «عین اسم التفضیل»:

- ۱) حکام
- ۲) أساندة

- ۳) علماء
- ۴) أقارب





## ١٥٢٩. عَيْنُ الْخَطَا فِي جَمْعِ الْأَسْمَاءِ:

(١) كبير ← كِبَار (٢) ميت ← مَوْتَى

(٣) أفضل ← فُضْلَاء (٤) أصغر ← أَصَاغِير

## ١٥٣٠. عَيْنُ كَلِمَةٍ لَيْسَتْ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(١) أقوى (٢) آخر

(٣) أشد (٤) آخر

## ١٥٣١. عَيْنُ الْاسْمِ الَّذِي يُجْمَعُ عَلَى وَزْنِ «فَاعِلٌ»:

(١) أكبر (٢) خيرٍ مِن

(٣) أربع (٤) فضلي

## ١٥٣٢. عَيْنُ كُلِّهَا اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) أنقى - أقل - أعلى - أذكى (٢) صغرى - أحمد - أساور - أكل

(٣) أهم - أكد - خير - أوامر (٤) أعلى - أعلم - أفرز - أحب

## ١٥٣٣. عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَيْسَ فِيهَا اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) أعظمُ الذُّنُوبِ استصغارُ الذَّنْبِ!

(٢) أحبُّ أولادِي أنشَطَهُم مِن بَيْنِهِم!

(٣) الشهداءُ خيرُ النَّاسِ شِجَاعَةً وَإِيمَانًا!

(٤) قد جاء في الكتاب: الخيرو الشرُّ متضادان!

## ١٥٣٤. عَيْنُ كَلِمَةِ «الخير» لَيْسَتْ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(١) الخير في ما وقع!

(٢) خير الناس من يُجبر نفسه على الخير!

(٣) خير الأعمال أوسطها!

(٤) أحب أن أقوم بخير الأعمال في الحياة!

## ١٥٣٥. عَيْنُ كَلِمَةِ «الخير» تَخْتَلِفُ (فِي نَوْعِ الْإِشْتِقَاقِ):

(١) يبقى الخير حتى يرى صاحبه ثمرته!

(٢) اللهم إني وكلتكم أمري فأنت لي خير وكيل!

(٣) ربِّ دبر لي أمري فليس تدبيرى خير تدبير!

(٤) عند الغضب نعرف حقيقة الأشخاص خير معرفة!

## ١٥٣٦. عَيْنُ مَعْنَى «خير» مُخْتَلِفَةٌ عَنِ الْأُخْرَى:

(١) «ما تفعلوا من خير فإن الله به عليم»

(٢) العلم أصل كل خير والجهل أصل كل شر!

(٣) «ربِّ إني لما أنزلت إني من خير فقير»

(٤) إن من خير أسمائكم عند الله، عبدالله!

## ١٥٣٧. عَيْنُ عِبَارَةٍ مَا جَاءَ فِيهَا اسْمُ الْمَكَانِ:

(١) زُرْنَا مَرَاقِدَ الشَّهَدَاءِ فِي الْيَوْمِ الْمَاضِي!

(٢) أذهب مع أصدقائي إلى الملعب الرياضي!

(٣) لنا منسج في الطابق الأول في بيتنا!

(٤) معرفة الإنسان تساعده على كشف الأسرار!

## ١٥٣٨. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

(١) أفاضلنا من يحبون العلم و يعملون به!

(٢) أحب المعلمين الذين ينفعون الناس بأعمالهم!

(٣) حسن الخلق أنقل الأعمال عند الله من عباده!

(٤) أحب إخواننا من يرشدوننا إلى فهم عيوبنا بكلام لين!

## ١٥٣٩. عَيْنُ الْخَطَا (فِي التَّفْضِيلِ):

(١) لا شك أن لغة القرآن أبلغ من جميع اللغات الأخرى!

(٢) إن أختي الصغرى هي التلميذة الكبرى في الصف!

(٣) معلمونا في المدرسة من أفاضل معلمى البلاد!

(٤) هذه التلميذة صغرى من زميلاتها في الصف!

## ١٥٤٠. عَيْنُ الْخَطَا عَنِ اسْمِ التَّفْضِيلِ:

(١) الحديقة الصغرى مع الأشجار المثمرة أحسن من الحديقة الكبرى من دون الأثمار!

(٢) الإخوان الذين يساعدوننا في أمورنا الصعبة خير إخوان في حياتنا!

(٣) إن الأعمال التي نعملها لكسب الحلال فضلى من بقية أعمالنا!

(٤) ساعات تفكرنا في اليوم الواحد أقل من نومنا عادة!

## ١٥٤١. عَيْنُ الْخَطَا:

(١) تخاف الطالبة الصغرى من الكبرى!

(٢) فاطمة أحسن بنت في رأيي!

(٣) مريم الحسنى جاءت نحو المدرسة اليوم!

(٤) مدرستنا كبرى من هذه المدرسة!

## ١٥٤٢. عَيْنُ كَلِمَةِ «الشر» لَا يُمْكِنُ أَنْ تَكُونَ اسْمَ التَّفْضِيلِ:

(١) جهلنا شرًا أعداننا إن عرفه!

(٢) إن اليأس شرُّ الأشياء لتخريب حياة البشر!

(٣) لا شر إلا أن يُمكن دفعه بالتدبير!

(٤) الشرك بالله من شرِّ الأعمال التي تُبعدنا عنه!

## ١٥٤٣. عَيْنُ كَلِمَةِ «خير» بِمَعْنَى «أحسن»:

(١) الخير في ما وقع فعلى الإنسان أن يهتم به!

(٢) أحب أن أصبح خير من تشاهد حولك!

(٣) أعمال الخير تساعد الأشخاص كثيرًا!

(٤) لم أشاهد خيراً في حياتك فكُن نموذجاً!

(هنر ٩٨)

(رياضى ٩٨)

(زبان ٩٨)

(انسانى ٩٨)

(خارج کشور ٩٨)

(خارج کشور ٩٩)



١٥٤٤. عَيْن عبارة ما جاء فيها اسم المكان:

- (١) قد ذهبتُ إلى متجر صديقي لمشاهدة الملابس الفُضلى!  
(٢) هذه المدينة لها أربع مدارس كبيرة للبنين والبنات!

١٥٤٥. عَيْن ما ليس فيه اسم المكان:

- (١) مصادر النفط والغاز في قارة آسيا أكبر وأكثر!  
(٢) المساجد بيوت أخرى للمؤمنين الذين يصلون!

١٥٤٦. عَيْن ما يدل على المكان:

- (١) هو من مُقاتلينا!  
(٢) يمشون في مساكنهم!

١٥٤٧. عَيْن وزن «أفعل، ليس اسم التفضيل:

- (١) الشكوت أبلغ كلامٍ مقابل الجاهل!  
(٢) من أحسن إليك فأحسن إليه، وهذا العمل حسن!

١٥٤٨. عَيْن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أتقى الناس من لا يخاف الناس من لسانه!  
(٢) أعلم أن من جمع علم الناس إلى علمه فهو عليهم!

١٥٤٩. أي جواب لا يشتمل على اسم التفضيل؟

- (١) لما انصرفنا نحو المدرسة شاهدتُ أكثر الطالبات!  
(٢) إن أتقى الناس من هو يعمل لله!

١٥٥٠. كم اسم التفضيل تُشاهد في العبارة؟ «إن أحب إخواني عندي في أكثر الأحيان من يصدقني ويسعى أن يوصلني إلى أعلى درجة وأهم مكانة!»

- (١) واحد (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٥٥١. كم اسم التفضيل في الآية الكريمة التالية؟ «يَلْ نُؤْتِرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ خَيْرًا مِنْهُ»

- (١) خمسة (٢) اثنان (٣) ثلاثة (٤) أربعة

١٥٥٢. عَيْن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) أكبر حيوان نراه حولنا هو الفيل!  
(٢) أحسن إلى الناس كما تُريد أن يُحسنوا إليك!

١٥٥٣. عَيْن الخطأ في الجمع:

- (١) المكتبة ← المكتبات، المكاتب (٢) المسجد ← المساجد، المسجديات (٣) المزرعة ← المزارع، المزرعات (٤) أرذل ← أرذل، أرذلون

١٥٥٤. عَيْن الاسم الذي يكون مؤنثه على وزن «فُعلى»:

- (١) أحصى العبادُ نعم الله الكثيرة فيسوا!  
(٢) صليتُ في المسجد الكبير ولم أشاهد أي مُصل!

١٥٥٥. عَيْن ما ليس فيه اسم التفضيل:

- (١) هو في حياته أهدى مِنِّي كثيراً!  
(٢) صديقي أهدى إلى كتاباً من مكتبته!

١٥٥٦. عَيْن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) الشيخ أكرم هؤلاء الفقراء!  
(٢) أنا أعلم أن هذا ليس مفيداً!

١٥٥٧. عَيْن الصحيح عن الكلمات التي أشير إليها بخط:

- (١) الغيبة من أهم أسباب قطع التواصل ← اسم التفضيل، مذكر، خبر  
(٢) ذلك المطبخ لنا ونستفيد منه للطبخ! ← اسم المكان، مضاف إليه

١٥٥٨. عَيْن الصحيح في صياغة اسم المكان:

- (١) مكتب ← من خط ← كاتب (٢) طَبَعَ ← اسم المكان ← مطبعة

١٥٥٩. عَيْن ما فيه اسم التفضيل واسم المكان معاً:

- (١) إن بعض المتاجر مفتوح إلى نهاية الليل!  
(٢) نحب أن نشترى ما نريده بثمن أرخص ونوعية أعلى!

١٥٦٠. عَيْن ما فيه اسم التفضيل:

- (١) لنبتعد عن الأعمال التي تجعل الأراذل يحكمون علينا!  
(٢) كتب التلميذ واجباته متأخراً فما أرضى معلمه عنه!

- (٢) وصل العُمال في الغروب إلى بيوتهم قبل مغرب الشمس!  
(٣) الفلاح يعمل في المزارع والعُمال يعملون في المصانع!

- (٢) لا يقبل المجتهد المشاكل ويُكثر الموانع!  
(٣) لي مخازن وفيها كتب نفيسة قيمة قديمة!

(انسانی ٩٨)

- (٢) هو من مفاخر أمتنا! (٣) مصالح الأمة نحفظها!

(زبان ٩٩)

- (٢) هذه الشورة أعظم الشور في القرآن الكريم!  
(٣) الفنى الأكبر اليأس من كل ما في أيدي الآخرين!

(رياضی ٩٨)

- (٢) كان من بين أصدقائي من هو أنجح التلاميذ!  
(٣) إن اللون الأبيض أحسن لون لألبسة الممرضات!

- (٢) جاء أبى وكان معه كتاب أقل حجماً فأخذته!  
(٣) أكرم الرجل في بيته ضيوفاً يجلسون على المائدة!

(٢) جاء أبى وكان معه كتاب أقل حجماً فأخذته!  
(٣) أكرم الرجل في بيته ضيوفاً يجلسون على المائدة!

- (٢) جاء أبى وكان معه كتاب أقل حجماً فأخذته!  
(٣) أكرم الرجل في بيته ضيوفاً يجلسون على المائدة!

(تجربى ٩٩)

- (٢) يجب أن نرى الآخرين أحسن منا!  
(٣) أكره الأعمال لقطع التواصل بين الناس هو الغيبة!

(هنر ٩٩)

- (٢) بكلامه اللين سمعنا أهدى الكلمات!  
(٣) أهدى عملي نعرفه، هو بالعمل لا بالكلام!

(خارج كشور انسانی ٩٨)

- (٢) هو عصى ربه فندم على عمله! (٣) الإجابة الحسنى تتعلق بأخى!

- (٢) معرفة الناس أنفع المعارف ← اسم التفضيل، مذكر، خبر  
(٣) أعظم العبادة أجرأ أخفاها ← اسم التفضيل، مؤنث، خبر

- (٢) مزر ← اسم المكان ← ممر (٣) تجر ← اسم المكان ← متجر

(رياضی ٩٩)

- (٢) رأيتُ مكتبة في مدينتنا كانت من أكابر مكاتب العالم!  
(٣) يجب أن يكون لون جدار المطابخ خاصة في الأماكن العامة أبيض!

(انسانی ٩٩)

- (٢) أحب صديقي الذي يفكر في أعماله وأساليبه دائماً!  
(٣) أسخط الصبور الشيطان بحلمه أمام المشاكل!





١٥٦١. عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَحْسَنُ هَذَا الرَّجُلِ الْمُؤْمِنُ يَكُونُ وَاضِحاً لَكُمْ!
- (٣) أَحْسَنُ أَعْمَالِي حَتَّى أَنْجَحَ فِي الْمُسْتَقْبَلِ!

١٥٦٢. عَيْنُ وَزْنِ أَفْعَلٍ، لَيْسَ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) أَسْعَى الشَّبَابُ، أَخْبَرْنَا بِنَتِيجَةِ سَعْيِهِ!
- (٣) أَهْدَى أَخِي عَيُوبِي إِلَى بَعْدِ مَا أَصْلَحَ نَفْسَهُ!

١٥٦٣. عَيْنُ مَا فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) عَلِيٌّ أَكْرَمُ النَّاسِ فِي كُلِّ الْأَحْوَالِ!
- (٣) الْمُؤْمِنُ أَكْرَمُكُمْ عِنْدَ اللَّهِ فَأَكْرَمُوهُ!

١٥٦٤. عَيْنُ اسْمِ الْمَكَانِ يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِيْنَ عَنِ الْبَاقِي:

- (١) شَاهَدْتُ حُسْنَ الْعَمَلِ فِي سَاحَةِ الْمَصْنَعِ فَهَذَا الْعَمَلُ جَيِّدٌ!
- (٣) صَنَعَ هَذَا التَّجَارِ الْمَحْمَلِ الْجَمِيلِ الْمَلُونِ!

١٥٦٥. عَيْنُ اسْمٍ يَدُلُّ عَلَى أَشَدِّ الْوَصْفِ:

- (١) الْعِلْمُ خَيْرٌ مَا شَاهَدْتُ وَ يُنْجِيكَ مِنَ الضَّلَالِ!
- (٣) الْكِتَابُ الَّذِي كَانَ عَلَى الْمُنْتَضَةِ أَسْوَدَ اللَّوْنِ!

١٥٦٦. عَيْنُ الْعِبَارَةِ الَّتِي لَا تَوْجَدُ فِيهَا مَقَابِسَةٌ:

- (١) أَنَا أَعْلَمُ بِنَفْسِي مِنْ غَيْرِي فَأَرْحَمُ ضَعْفَ بَدْنِي!
- (٣) قَوْلُوا لِلنَّاسِ أَحْسَنَ مَا تُحِبُّونَ أَنْ يُقَالَ لَكُمْ!

١٥٦٧. عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِيْنَ عَنِ الْبَقِيَّةِ:

- (١) «وَادْخُلْنَا فِي رَحْمَتِكَ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ»
- (٣) مَا وَجَدْتُهُ حَتَّى الْآنَ فَهُوَ خِيْبَةُ الْأَمْلِ، لَكِنِ الْأَمْلُ أَفْضَلُ لَنَا!

١٥٦٨. عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ يَخْتَلِفُ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (١) هُوَلَاءُ الْمُجَاهِدُونَ مِنْ أَشْجَعِ الشَّبَابِ فِي بِلَادِنَا!
- (٣) أَجْمَلُ الْوُرُودِ فِي هَذِهِ الْحَدِيقَةِ الصَّغِيرَةِ أَحْمَرًا!

١٥٦٩. عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ يَخْتَلِفُ فِي التَّرْجُمَةِ:

- (١) احْتَرَقَ أَكْبَرُ الْبَيْوتِ فِي هَذِهِ الْقَرْيَةِ لَيْلَةَ أَمْسٍ!
- (٣) اسْتَطَعْتُ أَنْ أَقْرَأَ أَصْعَبَ الْكُتُبِ فِي مَجَالِ الْأَدَبِ!

١٥٧٠. عَيْنُ مَا لَيْسَ فِيهِ اسْمُ التَّفْضِيلِ:

- (١) «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى»
- (٢) وَاللَّهِ مَا رَأَيْتُ مَا لَا أَحِلُّ مِمَّا يَكْتَسِبُ مِنَ الزَّرَاعَةِ!
- (٣) أَكْرَمُ النَّاسِ لِأَعْمَالِهِمُ الْحَسَنَةَ وَلَا تَسْخَرُهُمْ!
- (٤) يَأْكُلُ النَّاسُ فِي أَمْرِيكَ الْوُسْطَى الْأَسْمَاكَ الَّتِي تُمَطِّرُ السَّمَاءَ!

١٥٧١. أَيْ عِبَارَةٌ تَشْتَمِلُ عَلَى اسْمَيْنِ يَدُلَّانِ عَلَى التَّفْضِيلِ:

- (١) أَحَبُّ الْعَمَلِ الْخَيْرُ الَّذِي يَنْفَعُ النَّاسَ وَيَبْقَى لِلْآخِرِينَ!
- (٣) أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ مَنْ يُرْشِدُونَ الْآخِرِينَ إِلَى الصِّفَاتِ الْقَلْبِيَّةِ!

١٥٧٢. عَيْنُ الْخَطَا، (عَنْ اسْمِ التَّفْضِيلِ)

- (١) لَا يُؤْمِنُ الْحَنِيفُ إِلَّا بِاللَّهِ لِأَنَّ كَلِمَةَ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا!
- (٣) سُورَةُ الْبَقْرَةِ أَطْوَلُ سُورَةٍ فِي الْقُرْآنِ الْمَجِيدِ!

١٥٧٣. عَيْنُ اسْمِ التَّفْضِيلِ يَخْتَلِفُ مَحَلُّهُ الْإِعْرَابِيْنَ عَنِ الْبَاقِي:

- (١) سَمَكَةُ الشَّهْمِ مِنْ أَعْجَبِ الْأَسْمَاكَ فِي الصَّيْدِ!
- (٣) نَتَخَبُّ ابْنَتِي قَمِيصاً أَخْضَرَ وَالْأَحْمَرَ خَيْرًا!

١٥٧٤. عَيْنُ الْاسْمِ يَدُلُّ عَلَى الرَّجْحَانِ (التَّرْجِيحِ):

- (١) إِنَّ الْأَحْمَقَ يُرِيدُ أَنْ يَنْفَعَكَ فَيَضُرُّكَ!
- (٣) أَحْدَثَ هَذَا الثُّوبُ الْأَخْضَرَ النَّشَاطَ فِي فَرِيقِنَا!

(٢) سَأَلْتُ أَبِي، أَفَاضِلُ هَذَا الظُّبَيْبِ؟

(٤) قَالَتِ الرَّائِزَةُ لِبَانِعِ الْمَلَابِسِ أَرِيدُ سِرَاوِيلَ أَعْلَى!

(خارج كشور انسانى ٩٩)

(٢) إِنَّ زَمِيلِي حَسَنًا أَحْسَنَ إِخْوَتِهِ فِي الْعَائِلَةِ!

(٤) زُرْتُ أَطْوَلَ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ مَعَ أَحَبِّ أَصْدِقَائِي!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) أَبِي أَكْرَمُ جَمِيعِ الرِّجَالِ فِي الْحَفْلَةِ!

(٤) أَنَا أَكْرَمُ النَّاسِ فِي مَدِينَتِي!

(٢) هَلْ تَكْتَبُ لِي رَقْمَ مَنْزِلِ صَدِيقِكَ الْإِيرَانِيِّ؟

(٤) هَلْ تَقْرَأُ مَطَالِبَ عِلْمِيَّةٍ مِنْ تَارِيخِ مَكْتَبَةِ جَنْدِي سَابُور؟

(٢) أَكْمَلِ وَاجِبَاتِكَ حَتَّى تَذْهَبَ إِلَى الْبَيْتِ!

(٤) أَعْمَالُ الْكَافِرِينَ شَرٌّ فَنَحْنُ لَنْ نَسْمَحَ لَهُمْ أَنْ يَتَقَدَّمُوا!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) نَحْنُ أَبْدَلُ لِمَا فِي أَيْدِينَا فِي حَيَاتِنَا مِنْ غَيْرِنَا!

(٤) إِذَا غَلَبَ شَرُّ الرَّجُلِ خَيْرُهُ قَبْلَ الشَّيْطَانِ عَيْنِيهِ!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) ذَلِكَ خَيْرٌ لَكُمْ إِيمَانًا، وَ هَذِهِ هِيَ أَتَمُّ الْكَلِمَةِ بِالنِّسْبَةِ لَنَا!

(٤) نَحْنُ نَقُضُ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقِصَصِ!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) كَسَبَ الْعِلْمُ أَحَبَّ إِلَيَّ مِنْ كَسَبِ الْمَالِ وَالثَّرْوَةِ!

(٤) السَّيِّدُ الْقَاسِمِيُّ أَفْضَلُ مَعْلَمِينَا فَنَحْرَمُهُ جَمِيعًا!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) صَدِيقِي الْأَفْهَمُ أَحْسَنُ إِلَيَّ وَالِدِيهِ تَكْرِيمًا لَهُمَا!

(٤) نَنْتَخِبُ هَذَا الشَّبَابَ مِنْ بَيْنِ الشَّبَابِ وَ هُوَ أَعْلَمُهُمْ بِالْقُرْآنِ!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) مِنْ أَهَمِّ الْحَسَنَاتِ أَنْ تَتَوَاضَعَ أَمَامَ أَقْرَبَانَا وَأَسَانَدْتَنَا!

(٤) خَيْرُ الْعَمَلِ مَا هُوَ أَثْقَلُ فِي الْمِيزَانِ وَأَكْثَرُ أَجْرًا!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) هُوَلَاءُ التَّلْمِيزَاتُ أَفْضَلُونَ مِنْ كُلِّ زَمِيلَاتِهِنَّ!

(٤) اسْتَلَمْتُ رِسَالَةً أُخْرَى مِنْ أُخْتِي الْكَبِيرَى!

(كانون فرهنگى آموزش)

(٢) فِي هَذَا الْمَتَجَرِّ الْمَلَابِسِ أَرْخَصَ مِمَّا رَأَيْتَهُ!

(٤) تُغْذِيَةُ أَسْمَاكَ الزَّيْنَةَ أَصْعَبُ جَدًّا لِهَوَاتِنَا!

(٢) أَرْضَى النَّاسَ مِنْ أَعْمَالِهِمْ هُمُ الْعُلَمَاءُ وَالْمُعَلِّمُونَ!

(٤) مَا أَجْمَلَ غَابَاتِ مَازَنْدِرَانَ فَنَذْهَبُ نَحْوَهَا!



۱۵۷۵. عَيْنِ الخَطَأَ عن اسم التفضيل:

- ۱) أهدي صديقي الأكبر إلى أمي وردة أحمر من كل الورود!
- ۳) يقول الطالب النشيط بعد انتهاء الامتحانات: لا لذة أجمل من التعلم!

۱۵۷۶. عَيْنِ «آخر» ليس اسم التفضيل:

- ۱) لولم يكتشف إديسون، الكهرباء، لكان يكتشفها عالم آخر!
- ۳) ما كنت أعرف أن خلف هذه الجبال، عالماً آخر!

۱۵۷۷. عَيْنِ اسم التفضيل صفة:

- ۱) شاهدت في الكتاب سؤالاً أصعب من أسئلتك!
- ۳) ثروتك أكثر ولكن هل تساعدك في المهالك!

۱۵۷۸. في أي جواب ما جاء اسم يدل على الرجحان؟ (الترجيح)

- ۱) الغيبة أهم أسباب قطع التواصل بين الناس!
- ۳) تنصحنا الآية الأولى وتقول: لا تعيبوا الناس الكرام!

۱۵۷۹. عَيْنِ جواباً ما جاء فيه اسم التفضيل:

- ۱) أيّ الطريقتين أفضل بين سوء الظنّ وحُسنه؟
- ۳) واعلم أن حياة الدنيا ليست أمام الآخرة إلا شيئاً قليلاً!

۱۵۸۰. عَيْنِ كلمة «خير» بمعنى «الحسنة»:

- ۱) الذي أهدي إليكم عيوبكم من خير أصدقائكم!
- ۳) من انتفع الناس بعمله فهو خيركم حقاً!

۱۵۸۱. عَيْنِ اسم التفضيل بمعنى «صفت عالي» في الفارسية:

- ۱) أكرم أصدقائي من هو يحب الآخرين في قلبه!
- ۳) نتمنى أن نتخلص من شر أعدائنا الغاصبين!

۱۵۸۲. عَيْنِ كلمة «شر» ليست للتفضيل:

- ۱) لقد تعلمنا من التعاليم الدينية والأخلاقية أن الإنتقام شر من العفو!
- ۳) إن شر الناس عند الله الذين لا يعقلون في آياته!

۱۵۸۳. عَيْنِ الجواب الذي ما جاء فيه اسم المكان:

- ۱) معابر هذه الشوارع بحاجة إلى التغيير!
- ۳) هناك مناظر رائعة تخب العيون!

(خارج ڪنڪور انساني ۹۹)

۲) إن تربية الأطفال أقل صعوبة من إصلاح الكبار!

۴) قيمة قطعة صغيرة من تراب الساحل عند الغريق أثن من كل ذهب الأرض!

۲) هذا آخر اختراع جديد اكتشفه العلماء!

۴) لتغثيد الإنسان على نفسه لا على إنسان آخر!

۲) المعلم أحسن رجال لأنه يربي الأولاد!

۴) اشتريت من السوق كتاباً فكان ثمنها أرخص!

۲) أجل أصدقائي جعفر لأنه يحميني دائماً!

۴) شاهدت قرب البيت ورقاً أصفر كان وقع على الأرض!

(ڪانون فرهنگي آموزش)

۲) فلهذا أترك الغيبة والتهمة وأكثر حسن الظن!

۴) فكن كالذي أهدي إلى عيوبي وهو أعز إخواني!

۲) خيّرني أبي بمواصلة دروسي أو العمل في المعمل!

۴) تطلب أمي من الله خير الدنيا والآخرة!

(ڪانون فرهنگي آموزش)

۲) أريد المسافرة إلى بلدي من طريق هو أحسن!

۴) هذا قميص قد لبسته وهو أفضل من الباقي!

(ڪانون فرهنگي آموزش)

۲) اللهم أعوذ بك من شلّساني، فإنه وسيلة لتحصيل العذاب!

۴) إن من شرّ عباد الله من تكرر مجالسته لفحشه!

۲) تعلمت المكارم والمحامد معاً!

۴) موعدنا غداً جنب ساحل البحر إن شاء الله!

۱۵۸۴. كم اسم مكان يوجد في العبارة التالية؟ «في أحد المعارك جرح جندي بشدة وحملة المجاهدون نحو مأمن جنب خندق عظيم حينئذ نظر إلى مغرب الشمس قائلاً هنا مقتل أعداء إيران و بعد قليل التتمت جروحه و ذهب إلى بيته لمدة!»

- ۱) واحد
- ۲) ثلاثة
- ۳) أربعة
- ۴) خمسة

۱۵۸۵. عَيْنِ ما ليس فيه اسم المكان:

- ۱) ذهب نحو المطاعم التي شاهدتها في طريقي!
- ۳) خرج الإمام من محلّ الشربقول: هيو!

۱۵۸۶. عَيْنِ اسم المكان:

- ۱) كان مبدأ كتابة رسالتي قبل شهرين!
- ۳) صديقي مظهر الحق دائماً لصدقه!

۱۵۸۷. عَيْنِ ما فيه اسم المكان:

- ۱) اشتريت أساور لصديقتي بمناسبة ميلادها!
- ۳) يجب على الطبيب أن يبذل كل جهده في معالجة المرضى!

۱۵۸۸. عَيْنِ الجواب الذي ليس فيه اسم المكان مفعولاً:

- ۱) ازدادت مع نزول المطر منازل تُبنى حول الغابة!
- ۳) شاهدت في ساحة المدرسة مكتبة كبيرة للمطالعة!

۱۵۸۹. عَيْنِ اسم التفضيل خبراً:

- ۱) يا أخي! قلب الناس لأجود الحكام!
- ۳) أكرم الرجال في الحفلة أقبل على أسرة شهيد!

۲) هذه أشهر جعلت لتكريم الشهداء والأنمة!

۴) الذي يُصلى و قلبه لله أشد إيماناً!





١٥٩٠. عيّن الجواب لا يدلّ على المكان في المعنى:

(١) المُستوصف - المُتخف

(٣) المَخْمِل - المَطَار

١٥٩١. عيّن الاسم يدلّ على الأولوية:

(١) أشهر الكتاب كتب مقالةً حديثةً حول الرياضة!

(٣) وصلتُ إلى المحفل في أواخر الخطبة الثانية!

١٥٩٢. في أيّ جواب لم يذكر اسم التفضيل:

(١) خير الكتاب كثيرٌ وأثمنه هو أن يساعدك دون توقُّع!

(٣) خير المؤمنين المتقين هو الإنفاق الخفي!

١٥٩٣. عيّن الاسم يدلّ على الفضيلة:

(١) أكرم الناس من يُحبّ التقدّم أسبوعاً ماضياً!

(٣) خير ربنا العدالة ولن يفز أحد منها!

١٥٩٤. عيّن ما ليس فيه اسم التفضيل:

(١) أخلص الأصدقاء هم الذين لا يدعونك في الشدة!

(٣) أقلّ الرجل في العمل، فغضب الملك!

١٥٩٥. عيّن الصحيح حول الإيضاحات؟

(١) شرّ الناس يصل إلى أنفسهم عادةً ← اسم التفضيل

(٣) عشّ في أماكن عديدة آخر دراستي ← اسما التفضيل

١٥٩٦. عيّن اسم التفضيل:

(١) خير أبي شراء الكتب وأنفس الآثار!

(٣) أحبّ كبري لأنّ فيه تجارب قيّمة!

(٢) المُستنقَع - المُختبر

(٤) المفسدة - المرحمة

(٢) أكرم الناس كثيراً حتى تدوم المروءة بينهم!

(٤) أكمل في العمل تبخراً لتكون راحتي في كبري!

(٢) أكابر القوم جاؤوا نحو المسجد حتى يُعيّنوا زمن العمل!

(٤) ما أجمل عند الله هو التوكّل الحقيقي عليه!

(٢) أكثر الطلاب اليوم عند مطالعة الدروس في الكلام!

(٤) أحسن الرجال إلى الله من لا يترك الصلاة!

(٢) أبعد عنا شرّ أعمال لا تُحبّها!

(٤) أكرم الناس أعلمهم لأنّه يُفيدهم!

(٢) سافرتُ إلى المناطق الأستوائية كثيراً ← اسم المكان

(٤) شرّ هذه المدينة هو الإزدحام ← بمعنى «سيئة»

(٢) تذكّرتُ صغري ففرحت بذكره كثيراً!

(٤) لا يتبين فضلي الحقيقي إلا بعد انتصاري!

... يادداشت







۱۴۹۷. ترجمه گزینه‌ها ۱ با کسی که هیچ امیدى در هدايتش به راه درست نيست مجادله و بحث نكن. ۲ خداوند كسانى را كه صدايشان را بى دليل بالا مى برند به خرتشبه كرده است. ۳ فخر فروش يك صفت به معنای مستبدي است كه هر كسى حقى بر خود نمى بيند. تعريف «الجبار» است. ۴ وقتى مؤمن نعمت‌هاى خدا را ياد كرد. گونه خود را به خاطر شكر براى آن‌ها بر خاك گذاشت.
۱۴۹۸. ترجمه گزینه‌ها ۱ غيبت كردن؛ عبارت است از اين كه ديگران را ياد كنى با آنچه كه بدشان مى آيد. ۲ مرده؛ كسى است كه روحش از بدنش خارج شده است و تنفس نمى كند. ۳ جاسوسى؛ تلاشى براى شناخت كارهاى ديگران و آن از زشت‌ترين كارهاست. ۴ اتقوا، جمع «حجره»، اتقوا (اتقوا) است و آن سوره‌اى در قرآن است كه مشهور به عروس است. (عروس قرآن لقب سوره «الرحمن» است.)
۱۴۹۹. قيمت‌هاى كالاها بالا رفت پس مردم از دولت خواستند كه آن‌ها را پايين بياورد. بررسى ساير گزینه‌ها ۱ «قيمه» مؤنث است ولى «يزداد» مذكر است. ۲ «أن تُمرَّر» تلخ كند؛ مناسب نيست. ۳ «تُمنع» منع كند؛ مناسب نيست. ضمناً فعل «طلبوا» ماضى است؛ پس «يزداد» و «يرتفع» كه مضارع هستند، نادرست است.
۱۵۰۰. در اين گزینه «العجب» خودپسندى، با «التواضع» فروتنى، متضادند. در ساير گزینه‌ها «الإختيال»، الإعجاب بالنفس، (خودپسندى)، «ثمن»، سعر، (قيمت) و «ثياباً، ألبسة» (لباس‌ها) مترادف هستند.
۱۵۰۱. در اين گزینه «اللمذاج والأمثله» به معنای «مثالها» مترادف اند نه متضاد. در گزینه‌هاى ديگر «أعطى» ترفع، (پايين بياورد، بالا ببرى)، «أمر» نهي، (دستور داد، نهي كرد) و «افتصاد، إفراط» (ميانه‌روى، افراط) متضاد هستند.
۱۵۰۲. در گزینه (۱) «السئنة» و «الحسنة» متضادند. در گزینه (۳) «الكفارة»، «الملاحدون» و در گزینه (۴) «المتكبر»، «المغرور»، (مغرور) مترادفند.
۱۵۰۳. «أفصح» و «أنكر» (زشت‌ترين) مترادف هستند.
۱۵۰۴. «ذع» رها كن، و «أترك» ترك كن، مترادف هستند.
۱۵۰۵. در گزینه (۱) «العلاقات» با «التواصلات» (روابط) مترادف هستند و در گزینه‌هاى (۲) و (۳) «غالبية» با «أرخص» و «أحسن» با «أساء» يدي كرد، متضاد هستند.
۱۵۰۶. بررسى ساير گزینه‌ها ۱ «تأثير» بسيار دانا ۲ «بيامر» طلب بخشش كن. ۳ به من بده (فعل امر). به من داد (فعل ماضى).
۱۵۰۷. در گزینه (۱) «تخفى» (مخفى كنى) با «تظهير» (اشكار كنى)، در گزینه (۲) «الظالم»، «المظلوم» و در گزینه (۳) «يامر»، «ينهى» (امر مى كند، نهي مى كند) متضادند.
۱۵۰۸. در اين گزینه «شؤون» با «أمور» (كارها) مترادفند.
۱۵۰۹. «اهدئى» هدايت شده، با «ضل» گمراه شده، متضاد است ته «زل» لغزيد، در ساير گزینه‌ها به ترتيب «الشفلى» با «الفضلى»، «المتكاسلين» با «المجدين» و «خير» با «شر» و «الفنى» با «الفقير» متضاد هستند.
۱۵۱۰. در ساير گزینه‌ها به ترتيب «انبعت» با «أرسل» (فرستاده شد)، «معالجة»، «شداواة» (درمان) و «أرشد» و «دل» (راهنمايى كرد) مترادفند.
۱۵۱۱. ترجمه عبارت: «محبوب‌ترين مردم كسى است كه منفعت بخواهد». هر سه گزینه ديگر به مفهوم مشترك «سودمندى بندگان براى هم اشاره مى كند، اما گزینه (۴) «ببانگر سودمندى براى خود است ته ديگران».
۱۵۱۲. در ساير گزینه‌ها به اين مفهوم اشاره شده كه گوهر انسان آن گاه هويدا خواهد شد كه لوزبان باز كند. در صورتى كه در گزینه (۳) به خاموشى سخن نگفتن اشاره شده است.
۱۵۱۳. ترجمه عبارت: «دشمنى دانا بهتر از دوستى نادان است». در ساير گزینه‌ها به اين مفهوم اشاره شده است كه دشمن انسان اگر خردمند و دانا باشد، بهتر از دوستى است كه نادان است؛ اما در گزینه (۲) دقيقاً به عكس اين مفهوم اشاره شده است.
۱۵۱۴. «محبوب‌ترين بندگان سودمندترين آن‌ها براى بندگان است»، «خداوند كسى را كه به ديگران سود برساند و به خودش سود نرساند را دوست دارد» عبارت اول ببانگر اين كه خود را فراموش كنيم و سودى نبريم نيست.

۱۵۱۵. كم گوى و مفيد، در گزینه (۱) به كم گوى اشاره شده است. در گزینه (۲) به نعمت سخن گوىى از جانب خداوند اشاره شده است. گزینه (۳) هم به ارزش سخن گفتن اشاره شده و در گزینه (۴) به زبان نگفتن سخن و بهايى والاى آن اشاره شده است.
۱۵۱۶. ترجمه عبارت گزینه (۱) «هرگاه سخن كم شود» درسى زياد مى شود؛ مفهوم مناسب‌ترى دارد. ترجمه ساير گزینه‌ها ۲ بايد قبل از سخن گفتن سخن را ساخته و پرداخته كرد؛ ۳ سخنى بر حق، بهتر از سكوتى بر باطل است؛ ۴ زدن حرف‌هاى بيهوده، خوارى و ذلت به بار مى آورد.
۱۵۱۷. ترجمه عبارت: «بهترين برادرانم كسى است كه عيب هليم را به من هديه كند». ترجمه گزینه (۱) «هر كس عيب هابت را ببوشاند پس دشمن توست». ترجمه گزینه (۲) «دوست كسى است كه به تو راست بگويد نه اين كه تو را تاييد كند». در گزینه (۳) مخاطب را از عتاب و سرزشتى دوست بر حذر مى دارد. در گزینه (۴) نيز به طور آشكار مفهوم را مى رساند.
۱۵۱۸. ترجمه آيه شريفه صورت سؤال «وبندگان خدای رحمان كسانى هستند كه با فروتنى بر روى زمين گام بر مى دارند...» اين آيه، تواضع و فروتنى را از نشانه‌هاى افراد بلندمرتبه مى داند. ببايرين نزديك‌ترين مفهوم را گزینه (۲) بيان مى كند. ترجمه گزینه (۲) «اى مرد! فروتنى تو در (به هنگام) چاپگاه عالى ات، از چاپگاه عالى ات بهتر است» ترجمه گزینه (۴) «مؤمن با انسان ضعيف، با فروتنى رفتار مى كند و با انسان قوى، با خودپسندى».
۱۵۱۹. عبارت سؤال و ساير گزینه‌ها بيانگر اين هستند كه «از ظن و گمان بد به دور باشيم» ولى مفهوم گزینه (۲) «گمان نكن كسى در راحتى است» مى باشد.
۱۵۲۰. ترجمه عبارت: «بهترين برادران شما كسى است كه عيب هابتان را به شما هديه كند» با عبارت كسى كه هم نشينى نكند جز با كسى كه عيبى در او نيست، دوستش كم مى شود، ارتباطى ندارد. ترجمه ساير گزینه‌ها ۱ در زمين با خودپسندى راه نرو؛ تاج مردانگى تواضع است. ۲ بهترين كارها ميانه ترين آن‌هاست؛ نه اين و نه آن، بلكه چيزى بين آن دو. ۳ بدترين مردم دورويان هستند؛ منافقان از بدترين مردمند.
۱۵۲۱. ترجمه آيه قرآنى «وبان‌ها به روشى كه نيكوتر است مجادله نماي» ارتباطى به مفهوم عبارت ندارد. ترجمه عبارت: «اگر با تو مجادله كردند، پس به آن‌ها نيكى كن». ترجمه ساير گزینه‌ها ۲ نادان با چيزى همانند دم فرو بستن در مقابلش كيفر نشد. پاسخ ندادن، (خود نوعى) پاسخ است. ۳ بهترين مردم كسى است كه به ديگران سود رساند؛ محبوب‌ترين بندگان خدا نزد خداوند، سودمندترين آن‌ها براى بندگان اوست. ۴ هرگاه فرومايگان فرمانروا شوند، شايستگان هلاك شوند، هرگاه پست‌ها حكومت كنند، بزرگان و بخشنندگان مى ميرند.
۱۵۲۲. با توجه به سؤال از قيمت و بهايى كالا تنها عبارت (۳) مناسب است. (هفتاد و پنج هزار تومان)
۱۵۲۳. ترجمه عبارت: «ايا شلوارهاى بهتر از اين داريد؟» آن مغازه همكارم است. او شلوارهاى بهترى دارد. با توجه به مفهوم كل عبارت و مترادف بودن كلمات «أحسن» افضل، خير من هذه، كلمه‌اى كه در گزینه (۴) آمده (ارزان تر)، نادرست است.
۱۵۲۴. شلوارهاى بهتر از اين مى خواهم؛ ما به قيمت هفتاد هزار تومان داريم.
۱۵۲۵. با توجه به مفهوم سؤال «قيمت اين شلوار مردانه چقدر است؟» عبارت گزینه (۳) كاملاً نامرتبط است. (اين قيمت‌ها واقعاً گران است.)
۱۵۲۶. «أزرق» (آبى) بر رنگ دلالت دارد و اسم تفضيل نيست.
۱۵۲۷. رنگ‌ها با اين كه برون «أفعل» هستند، اسم تفضيل به حساب نمى آيند. (آسود، سياه)
۱۵۲۸. «أقرب» جمع «أقرب» و اسم تفضيل است. در گزینه‌هاى ديگر «أحكام» جمع «حاكم»، «أستاذة» (جمع «أستاذ») و «علماء» (جمع «عالم») هيچ يك اسم تفضيل نيستند.
۱۵۲۹. جمع اسم تفضيل «أفعل» برون «أفعل» است؛ ببايرين جمع «أفضل» مى شود «أفاجل».
۱۵۳۰. «أجرا» اسم فاعل است و «أجر» اسم تفضيل. ساير گزینه‌ها برون «أفعل» هستند.
۱۵۳۱. «أكبر» برون «أفعل» (أكبر) جمع بسنه مى شود.
- حواسمان باشد در گزینه (۲) «أربع» اسم تفضيل نيست؛ زيرا معنای برترى نمى دهد. ضمناً جمع وزن «فعلى» به صورت «فعليات» يعنى جمع مؤنث سالم مى آيد (رد ۴).



۱۵۳۲. ۱ در گزینه (۱) تمام کلمات اسم تفضیل هستند. «أكل، أكلت، أفرز» فعل هستند. ضمناً «أساور» جمع «سوار» (دستبندها) و «أوامر» جمع «أمر» اسم تفضیل نیستند.
۱۵۳۳. ۲ «الخير، الشر» خوب، بد اسم تفضیل نیستند؛ چون «ال» گرفته‌اند مصدر هستند. در سایر گزینه‌ها اسم‌های تفضیل عبارتند از: «أعظم، أحب، أنشط، خیر»
۱۵۳۴. ۱ وقتی «خیر» و «شر» ال بگیرند، به شکل «خوبی» و «بدی» ترجمه می‌شوند و در این حالت اسم تفضیل نیستند، اما هنگام مضاف شدن به شکل تفضیلی «خوب‌تر»، «بدتر» ترجمه می‌شوند.
۱۵۳۵. ۱ در این جا «الخير، همراه ال آمده» پس مصدر است به معنای «خوبی» ولی در سایر گزینه‌ها همراه مضاف‌الیه آمده و اسم تفضیل و مشتق است به معنای «بهترین».
۱۵۳۶. ۲ «خیر» مضاف شده و به معنای «بهترین» است. در سایر گزینه‌ها «خیر» خوبی، معنی می‌دهد. ضمناً در گزینه (۳) «فقیر» خبر است نه مضاف‌الیه. (من به آن چه از خیر بر من نازل کردی فقیر هستم.)
۱۵۳۷. ۲ «معرفة» (شناختن) مصدر است نه اسم مکان. در سایر گزینه‌ها «مراقده (ج مرقده)» آرامگاه‌ها، الملعب: ورزشگاه، المسیح: استخر، اسم مکان هستند.
۱۵۳۸. ۲ «أحب» دوست دارم، بر وزن «أفعل» نیست، بلکه فعل مضارع از باب «افعال» می‌باشد. در سایر گزینه‌ها «أفاضل، أنقل، أحب» اسم تفضیل هستند.
۱۵۳۹. ۲ برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. (أصغرم)
۱۵۴۰. ۳ هرگاه اسم تفضیل برای مقایسه به‌کار رود، از وزن «أفعل» استفاده می‌شود. حتی اگر برای مؤنث به‌کار رفته باشد. (أفضل من)
۱۵۴۱. ۲ برای مقایسه دو اسم چه مذکر چه مؤنث از وزن «أفعل» استفاده می‌کنیم. عبارت درست «مدرستنا أكبر من هذه المدرسة» است.
۱۵۴۲. ۳ «شر» در این گزینه مضاف نشده و به معنای «بدی» است. پس اسم تفضیل نیست. در سایر گزینه‌ها کلمه «شر» مضاف شده و به معنای «بدترین» و اسم تفضیل است.
۱۵۴۳. ۲ «خیر» به همراه مضاف‌الیه (من) آمده پس اسم تفضیل است (بهترین کسی که)، در سایر گزینه‌ها مضاف نشده و معنی «خوبی» دارد.
۱۵۴۴. ۲ کلمه «غروب» بر وزن «فعلیل» است. ولی به معنای زمان غروب خورشید می‌باشد. بنابراین اسم مکان نیست؛ ولی در سایر گزینه‌ها اسم مکان به ترتیب عبارت است از: «متجر، مدارس (مدرسه)، مزارع (مزرعة)، مصانع (مضلع)»
۱۵۴۵. ۲ بررسی گزینه‌ها: ۱ «مصادر، مفردش «مصدر» و اسم مکان است. ۲ «المشاكل، مفردش «المشكلة» است پس اسم مکان نیست. (اسم فاعل است)، «الموانع، مفردش «مانع» بر وزن فاعل است پس اسم مکان نیست. ۳ «المساجد، مفردش «المسجد» و اسم مکان است. ۴ «مخازن، مفردش «مخزن» و اسم مکان است.
۱۵۴۶. ۲ «مساكن، (جمع مسكن) اسم مکان است. در سایر گزینه‌ها «مقاتل» اسم فاعل، «مفاخر» (جمع «مفخرة» مایه افتخار)، «مصالح» (جمع مصلحة) اسم مکان نیستند؛ چون معنای مکان ندارند.
۱۵۴۷. ۳ در گزینه (۳) کلمه «أحسن» فعل ماضی و «أحسین» فعل امر است. غیر از ترجمه می‌توان به ادات شرط «من» که در ابتدای جمله آمده توجه نمود. چون بعد از ادات شرط فقط فعل می‌آید. در سایر گزینه‌ها کلمات «أبلغ، أعظم، الأكبر» اسم تفضیل هستند.
۱۵۴۸. ۳ «أنقى، أنجح، أحسن» اسم تفضیل هستند. در گزینه (۳) کلمه «أعلم» فعل مضارع متکلم وحده است. (می‌دانم که...)
۱۵۴۹. ۲ «أكرم، فعل، الرجل، فاعل و «سبوقاً، مفعول است. (مرد در خانه‌اش مهمانانی که بر سفره می‌نشستند را گرامی داشت.) در سایر گزینه‌ها «أكثر»، «أقل» و «أنقى» اسم تفضیل هستند.
۱۵۵۰. ۲ «أحب، أكثر، أعلى، أهم» چهار اسم تفضیل در این عبارت هستند.
۱۵۵۱. ۳ «الدنيا، (فعلی)، «خیر» (بهتر)، و «أبقى» همگی اسم تفضیل هستند.
۱۵۵۲. ۳ ترجمه عبارت: «به مردم نیکی کن همانطور که می‌خواهی به تو نیکی کنند.» با ترجمه به راحتی می‌فهمیم که «أحسین» فعل امر است. در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أكبر، الآخرین، أحسن و أكره» اسم تفضیل هستند.

۱۵۵۳. ۲ «المسجد» مؤنث نیست که با «ات» جمع بسته شود.
۱۵۵۴. ۲ «أكبر» اسم تفضیل است که مؤنث آن «بروزن» فعلی، «أكبری» می‌آید. در سایر گزینه‌ها «أحصى» شمرند، فعل است. «الکبیر» اسم تفضیل نیست و مؤنث آن به صورت «الکبیرة» می‌آید و «خیر» هم در حالت مذکر و مؤنث به صورت یکسان می‌آید.
۱۵۵۵. ۳ ترجمه عبارت: «دوست من کتابی را از کتابخانه‌اش به من هدیه داد.» در این گزینه، «أهدی» فعل ماضی بر وزن «أفعل» به‌کار رفته است. در گزینه‌های (۱) و (۲) «أهدی» هدایت کننده‌تر، و در گزینه (۴) «هدایت کننده‌ترین» ترجمه می‌شود.
۱۵۵۶. ۲ در این گزینه «الحسنی» بر وزن «فعلی» اسم تفضیل مؤنث است. وزن «الفعلی» قطعاً اسم تفضیل است. در گزینه (۱) «أكرم» گرامی داشت، و در گزینه (۲) «أعلم» می‌دانم، به ترتیب فعل ماضی و مضارع هستند و در گزینه (۳) نیز اسم تفضیل نیامده است.
۱۵۵۷. ۲ صورت صحیح سایر گزینه‌ها: ۱ «خبر» مجرور به حرف جز (من) «أهم» با هم خبر است. ۳ بعد از اسم اشاره مضاف الیه نمی‌آید («المطبخ» مشار الیه با وابسته است) ۴ مؤنث «مذکر»
۱۵۵۸. ۲ بررسی سایر گزینه‌ها: ۱ اسم مکان از فعل‌های ثلاثی مجرد ساخته می‌شود. پس اسم مکان «مکتب» از فعل ماضی «کتب» ساخته می‌شود. ۳ اسم مکان از فعل «مرز»، «ممر» است. «مرز» تلخ کرد، ثلاثی مزید است. ۴ اسم مکان صحیح از فعل «شجر»، «عشجر» است.
۱۵۵۹. ۲ در این گزینه «مکتبة» کتابخانه، و «مکاتب» کتابخانه‌ها، اسم مکان و «أكابر» بزرگ‌ترها، اسم تفضیل است. در گزینه (۱) «المتاجر» مغازه‌ها، اسم مکان. در گزینه (۳) «أرخص» ارزان تر، و «أعلى» بالاتر، اسم تفضیل و در گزینه (۴) «المطابخ» آشپزخانه، و «الأماكن» مکان‌ها، اسم مکان هستند. کلمه «أبيض» سفید، رنگ است و رنگ‌ها اسم تفضیل نیستند.
۱۵۶۰. ۱ «أراذل، بر وزن «أفعل» جمع اسم تفضیل «أرذل» است. دقت کنید «أحب» دوست دارم، ما «أرضی» راضی نکرد، «أسخط» خشمگین کرد، همگی فعل‌های باب «افعال» هستند و هیچ کدام اسم تفضیل نیستند.
۱۵۶۱. ۲ بررسی گزینه‌ها: ۱ «أحسن» آیا خوبی... اسم تفضیل نیست. ۲ «أفاضل» آیا با فضیلت است؟ ۳ «أحسین» و «أنجح» فعل هستند. کارهایم را خوب انجام می‌دهم تا موفق شوم. ۴ «أعلى» اسم تفضیل است.
۱۵۶۲. ۳ بررسی گزینه‌ها: ۱ «أسعی» اسم تفضیل است. ترجمه: کوشا ترین جوانان. ما را از نتیجه تلاش باخبر کرد. ۲ «أحسن» اسم تفضیل است. ترجمه: قطعاً هم کلاسی ام حسن، بهترین برادرانش در خانواده است. ۳ «أهدی» اسم تفضیل نیست (فعل ماضی «افعال» است). ترجمه: برادرم عیب‌هایم را به من اهدا کرد. بعد از این که خودش را اصلاح کرد. ۴ «أطول» و «أحب» اسم تفضیل هستند. ترجمه: «طولانی‌ترین غارهای آبی را با محبوب‌ترین دوستانم زیارت کردم.»
۱۵۶۳. ۳ «مؤمن گرامی‌ترین شما نزد خداوند است» پس «أكرم» اسم تفضیل است. در سایر گزینه‌ها بعد از «أكرم» اسم با حرکت فتحه آمده (من) پس آن اسم، مفعول است نه مضاف‌الیه؛ پس «أكرم» فعل است نه اسم تفضیل.
۱۵۶۴. ۳ «المحمل» مفعول برای «ضلع» است. در سایر گزینه‌ها «المضلع» «منزل»، «مکتبة» همگی مضاف‌الیه هستند.
۱۵۶۵. ۱ «خیر» به همراه مضاف‌الیه (ما) آمده پس اسم تفضیل است (بهترین چیزی که)، در سایر گزینه‌ها «أکمل» فعل امر است (تکالیف را کامل کن)، «أسود» (سیاه) معنای تفضیلی ندارد. «شر» (بد) هم بدون مضاف‌الیه و حرف جر «من» آمده است.
۱۵۶۶. ۲ سؤال می‌گوید گزینه‌ای را که در آن مقایسه یافت نمی‌شود، بیابیم؛ یعنی اسم تفضیل نداشته باشد. در گزینه (۴)، کلمه‌های «خیر و شر» در معنای اسم تفضیل نبوده و در آن مقایسه‌ای نیست. ترجمه: «هرگاه بدی مرد بر خوبی‌اش غلبه کند، شیطان جشمانش را می‌بوسد» ترجمه سایر گزینه‌ها: ۱ «أعلم» در این جا اسم تفضیل می‌باشد. ترجمه: من به خودم دانستم. ۲ «أبدل» در این جا اسم تفضیل و به معنی «بخشند» می‌باشد. ۳ «أحسن» در این جا اسم تفضیل و به معنی «بهترین» می‌باشد.
۱۵۶۷. ۲ «أحسن» مفعول است. اسم تفضیل در بقیه گزینه‌ها خبر می‌باشد. در گزینه (۱) «أرحم» در گزینه (۲) «خیر و أتمن» و در گزینه (۳) «أفضل» خبر هستند.



۱۵۸۳. **المکارم** (خصوصیت‌های اخلاقی پسندیده) و **المحامد** (ستایش‌ها) اسم مکان نیستند؛ در سایر گزینه‌ها به ترتیب «معابر، مناظر و موعده» و «عده‌گاه» اسم مکان‌اند.
۱۵۸۴. **المعارک** (جمع المعركة)، «مأمن»، «مقرب»، «مقتل» اسم مکان‌اند. حواستان باشد چون «بیت» وزن‌های اسم مکان را ندارد، اسم مکان نیست.
۱۵۸۵. **مُقَرَّر**، اقرارکننده، اسم فاعل است. در سایر گزینه‌ها «المطاعم» (جمع المطعم)، «المدرسه»، محل، اسم مکان هستند.

**نسوزی:** گاهی اوقات اگر یک کلمه اعراب نداشته باشد، می‌تواند به صورت‌های مختلفی خوانده شود. مثلاً «مُقَرَّر» را می‌توان به صورت «مُقَرَّر، قرارگاه» و «مُقَرَّر، اقرارکننده» خواند. تشخیص این موضوع از راه ترجمه و قرینه‌های جمله ممکن است.

۱۵۸۶. **بزرسی گزینه‌ها:** ۱ زمان شروع نوشتن نامه‌ام، دو ماه قبل بود. ۲ زمان وعده ما هنگام طلوع خورشید است ای برادرم. ۳ دوستم به خاطر صداقتش، همیشه آشکارکننده حق است. (مُظهِر: اسم فاعل) ۴ «المقتل» برون مفعول، و اسم مکان است. (جای شستن)
۱۵۸۷. **عمری:** دروازه، اسم مکان است. (بروزن «مقعی» در گزینه (۲) «مُنزل» اسم فاعل است. (خدایا، تو نازل کننده کتاب هستی)
۱۵۸۸. **منزل:** فاعل «ازداد» (زیاد شد) است و در سایر گزینه‌ها «المعلب»، مکتبه، متجر، مفعول هستند.

۱۵۸۹. **الذی:** مبتدا و «اشد» خبر است. در سایر گزینه‌ها «الأجود» جار و مجرور است (مجموعاً خبر است نه فقط «أجود»). «أشهر» (ج شهر: ماه) خبر است چون از «هذه» استفاده شده می‌فهمیم جمع غیرانسان است نه «أشهر» مشهورترین، «أکرم» نیز مبتدا می‌باشد (أقبل، فعل ماضی است)

۱۵۹۰. **المفسدة:** مایه تباهی، و «المزحمة» مهربانی، بیانگر مکان نیستند. در سایر گزینه‌ها «درمانگاه، موزه، مرداب، آزمایشگاه، کجاوه و فرودگاه» بیانگر مکان هستند.
۱۵۹۱. **منظور از «الأولوية» برتری، همان اسم تفضیل است.** «أشهر» مشهورترین، اسم تفضیل است. **بزرسی سایر گزینه‌ها:** ۱ «أکرم» فعل امر است. ۲ «أواخر» جمع «آخر» و اسم فاعل است. ۳ «أکمل» مضارع متکلم وحده است. (کامل می‌شوم) «یکیری» بزرگسالی ام، مصدر است. ۴ «خوبی مؤمنان برهیزگار» همان اتفاق پنهانی است. پس «خیر» مصدر است. در سایر گزینه‌ها «أمن» اکابر (جمع اکبر) و «أجمل» اسم تفضیل هستند.

**نسوزی:** «ما أفعل» یعنی «چه... است»، بیانگر ساختار تعجب است و «أفعل» فعل می‌باشد. ولی «ما أفعل» یعنی «آن چه... تر است» می‌باشد. پس «أفعل» اسم تفضیل است.

**مثال:** «ما أكثر»؛ چه زیاد است. «ما أكثر»؛ آن چه بیشتر است.

۱۵۹۳. **أحسن:** اسم تفضیل است. «بهترین مردان نزد خداوند کسی است که نماز را ترک نمی‌کند». «أکرم» گرامی داشتن... هفته گذشته) و «أكثر» (زیاده روی کردند) «الطلاب» فاعل است و مرفوع (ش آمده) در گزینه‌های (۱) و (۲) فعل هستند و در گزینه (۳) هم «خیر» به همراه مفرد معرفه آمده (خوبی پروردگار ما).

۱۵۹۴. **أقبل:** فعل ماضی از باب «افعال» است (مرد در کار کوتاهی کرد). ولی در سایر گزینه‌ها «أخلص»، «شر»، «أکرم» و «أعلم» همگی اسم تفضیل هستند.
۱۵۹۵. **بزرسی گزینه‌ها:** ۱ بدی مردم معمولاً به خودشان می‌رسد ← «شر» مصدر است. ۲ «المناطق» جمع «منطقة» است و اسم مکان نیست. ۳ «أماکن» جمع «مکان» اسم مکان و «آخر» (پایان) اسم فاعل و اسم تفضیل نیستند. ۴ بدی این شهر شلوغی است. «شر» مصدر و به معنای «بدی» است.

۱۵۹۶. **در گزینه (۱) «خیرایی» خوبی پدرم، «خیر» مصدر است.** «أنفس» گران‌بهاترین، اسم تفضیل است. در گزینه (۲) «صغری» (کودکی ام) و در گزینه (۳) «یکیری» (میانسالی ام) است زیرا بعدشان ضمیر مذکر (ه) آمده نه مؤنث (ها). در گزینه (۴) هم «طفلی» (برتری من) اسم تفضیل نیستند. چون بعدش صفت به صورت مذکر آمده نه مؤنث.

۱۵۶۸. **أحب من:** به صورت «محبوب‌تر از» (صفت تفضیلی) ترجمه می‌شود. ولی در سایر گزینه‌ها «أشجع الشبَاب» «أجمل الورود» «أفضل معلمی» اسم تفضیل به صورت صفت عالی (ترین) ترجمه می‌شود. چون مضاف شده‌اند.

۱۵۶۹. **اسم تفضیل در عبارت گزینه (۲) به صورت صفت برتر (فهم‌تر) ترجمه می‌شود** چون تنها آمده و مضاف نشده اما در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل معنای صفت عالی (برترین) دارد. چون مضاف شده است و در ضمن «أحسن» در این گزینه فعل است نه اسم تفضیل.
۱۵۷۰. **أکرم:** در گزینه (۳) فعل امر است. (گرامی بدار مردم را) اسم تفضیل در سایر گزینه‌ها: به ترتیب «الأقصى»، «أجل»، «الوسطی» هستند.
۱۵۷۱. **أحب:** و «الأخیرین» در گزینه (۲) اسم تفضیل هستند. بنابراین این گزینه دو اسم تفضیل دارد. در گزینه (۱) «الأخیرین» در گزینه (۲) «أهم» و در گزینه (۴) «خیر» «أقل» و «أكثر» اسم تفضیل هستند.

۱۵۷۲. **وقتی دو اسم (چه مذکر و چه مؤنث) را با هم مقایسه می‌کنیم، از اسم تفضیل به شکل مفرد مذکر و برون فعل استفاده می‌کنیم.** بنابراین «أفضل» صحیح است.
۱۵۷۳. **در گزینه (۱) «أعجب» اسم تفضیل و مجرور به حرف جر است.** دقت کنید که «من أعجب» خبر از نوع جار و مجرور (شبه جمله) است. **بزرسی سایر گزینه‌ها:** ۲ «أرخص» اسم تفضیل و خبر است و «الملابس» مبتدا می‌باشد. ۳ «خیر» اسم تفضیل و خبر واقع شده است و «الأحمر» نیز مبتدا می‌باشد. ۴ «أصعب» اسم تفضیل و خبر است.

۱۵۷۴. **أرضی:** اسم تفضیل است. «راضی‌ترین مردم از کارهای خویش» همان دانشمندان و معلمان هستند. در سایر گزینه‌ها «الأحمق» نادان، بیانگر عیب است و «الأخضر» سبز، رنگ است پس معنای تفضیلی ندارند. دقت کنید «أحدث» ایجاد کرد، فعل است و «ما أجمل» چه زیباست، اسم تفضیل نیست. («أجمل» فعل می‌باشد).
۱۵۷۵. **أحمر:** قرمز، رنگ است و به صورت اسم تفضیل (تر - ترین) استفاده نمی‌شود زیرا رنگ‌ها اسم تفضیل نیستند.

۱۵۷۶. **در این گزینه «آخر» آخرین است و به معنای دیگر نیست.** ترجمه: این آخرین اختراع جدیدی است که دانشمندان به تازگی آن را کشف کرده‌اند.

**نسوزی:** اگر «آخر» قبل اسم بیاید، حتماً اسم فاعل است و اگر بعد اسم بیاید می‌تواند اسم تفضیل یا اسم فاعل باشد.

**مثال:** آخر الكتاب / الكتاب الآخر

۱۵۷۷. **سؤالی سخت‌تر از (سؤالاً أصعب) موصوف و صفت است.** در سایر گزینه‌ها به ترتیب «أحسن» «أكثر» «أرخص» اسم تفضیل و خبر هستند.
۱۵۷۸. **أصفر:** زرد، بیانگر برتری (اسم تفضیل) نیست. در سایر گزینه‌ها «أهم» «أجل» «الأولی» اسم تفضیل هستند. (بر برتری دلالت دارند).

۱۵۷۹. **أثرب:** و «أكثر» فعل امر هستند. (ترک کن - زیاد کن) در سایر گزینه‌ها «أفضل» «الدنيا» «عز» اسم تفضیل هستند.

۱۵۸۰. **بزرسی گزینه‌ها:** ۱ «خیرأصدقائکم» بهترین دوستان شما اسم تفضیل ۲ «خیر» فعل ماضی از باب «تفعیل» است و اصلاً «خیر» نیست. ۳ «خیرکم» بهترین شما، اسم تفضیل ۴ «خیرالدنيا» خوبی دنیا، مصدر

۱۵۸۱. **صورت سؤال اسم تفضیلی را می‌خواهد که به معنی صفت عالی (ترین) در فارسی است.** «أکرم» در گزینه (۱) به معنای «گرامی‌ترین» به کار رفته است. «گرامی‌ترین دوستانم» کسی است که در قلبش دیگران را دوست دارد. «أحسن» در گزینه (۲) و «أفضل» در گزینه (۴) «صفت برتر» و «شر» در گزینه (۳) به معنای «بدی» است. (بدی دشمنان غاصمان)

۱۵۸۲. **«شر» در این گزینه به معنی «بدی» است.** اما در سایر گزینه‌ها اسم تفضیل است و معنی «بدتر یا بدترین» می‌دهد. **توجه گزینه‌ها:** ۱ از تعلیمات دینی و اخلاقی یاد گرفته‌ایم که انتقام بدتر از بخشش است ۲ خدایا از بدی زبانتم به توبناه می‌برم، چه آن وسیله‌ای برای به دست آوردن عذاب است ۳ همانا بدترین مردم نزد خداوند کسانی‌اند که در آیات او اندیشه نمی‌کنند ۴ از بدترین بندگانی خدا کسی است که هم‌نشینی با او به خاطر گفتار و کردار زشتش ناپسند شمرده می‌شود